



تو خود حدیث عشق
مفصل بخوان از این مجمل

دو هفته نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و خبری دانشگاه تربیت مدرس



همه یا هیچ؟

سال چهارم / شماره سی و چهار / نیمه اول آبان ماه ۱۳۹۵
Vol.4 / No.34 / Oct 2016

کانال تلگرام: telegram.me/cheshmehmag
وبسایت: www.nahad.modares.ac.ir
پست الکترونیک: cheshmeh@modares.ac.ir
تلفن: ۸۸۰۰۷۸۰۰ / فکس: ۸۲۸۸۳۲۹۰

... فهرست ...

- نگاه استادان
- ۲... نقش استاد در سر نوشت جامعه
- فرهنگی
- ۳... اولیونی که به علوم انسانی داده نشد
- ۴... سوالات بی پایان در ذهن
- ۵... لطفا بی تفاوت نباشیم!
- ۶... که سرمایه جاودانی است "کار"
- ۷... چطور اسیر مصرف گرایی شدیم؟
- تاریخ
- ۸... استعمار و باستان شناسی
- معرفت
- ۵... تو خود حدیث عشق مفصل بخوان از این مجمل
- سیاست
- ۱۰... همه یا هیچ؟
- دانشگاه ما
- ۱۱... اخبار دانشگاه
- ۱۲... فرهنگ مراجعه به دانشگاه در کشور ما ضعیف است

سیر آغاز

سیامک شادکام



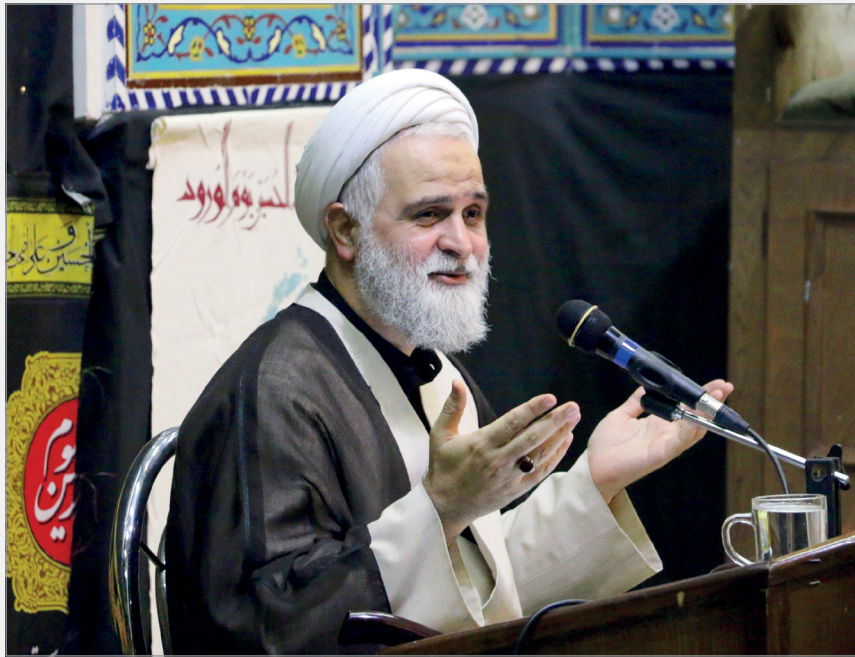
در ملت‌ها چه می‌گذرد؟

شاید گزاف نباشد که بگوییم تفاوت اصلی ما با غرب در نوع نگاه ما به انسان است. این نوع نگاه در همه‌ی عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و حتی نظامی تاثیر گذار است. اینکه تو خود را ملت ملت‌ها بدانی و مردم را مردم برتر در سیاست‌گذاری‌های مختلف اثر گذار است. تلقی انسان نسبت به جامعه، مبدأ، معاد و مسیر حیات و هر آنچه که رابطه‌ی مستقیم با انتخاب‌گری او دارد، از تلقی انسان نسبت به خود آغاز می‌گردد. وقتی به فکر تسخیر جهان باشی و پیشرفت‌های علمی‌ات فقط در پی تسخیر عالم باشد و حکومت بر آن، قطعاً فرق می‌کند نگاهت با ملتی که در پی خدمت به عالم است و در صدور علم به ملت‌های دیگر تبعیض قائل نمی‌شود. این روزها با دیدن مناظرات ملت ملت‌ها آمریکا راحت‌تر می‌توان به عریان بودن جامعه و نگاه آمریکایی و به زعم عده‌ای مهد دموکراسی غربی پی برد. جایی که ایمان زبربنای مسائل قرار نگیرد و هر چه قدر هم قدرت داشته باشید از هم ضعیف هستید. نگاهی به مناظره این دو نامزد ریاست جمهوری آمریکا نشان می‌دهد که ملت ملت‌ها چگونه در پشت نقابی که رسانه‌هایش از او نشان می‌دهند پنهان شده‌است. افشاگری‌هایی که در پست‌ترین مسائل اخلاقی نسبت به هم انجام می‌دهند همگی گویای این مطلب است که در آمریکا چه می‌گذرد! این که چگونه تمدن بشری انحطاط پیدا کرده است. مردم آمریکا و سرتاسر دنیا این روزها تماشاگران مناظراتی در کانون قدرت جهانی! هستند که در بالاترین سطح سیاسی تهدید به افشاگری جنسی نسبت به هم می‌کنند. اما واقعاً در غرب چه می‌گذرد؟ آیا اخلاق زنده است؟ به راستی پیدای و پنهان آمریکا چیست؟



تأمین حیات طیبه با پیش‌رانی در علم

یکی از چیزهایی که حیات طیبه را تأمین می‌کند، پیش‌رانی در علم و تمدن جهانی است. یک ملتی بتواند در مجموعه‌ی دانش جهانی و مدنیت جهانی، حالت پیش‌ران داشته باشد و جلو ببرد؛ برای ارتقای کل بشریت، یک نردبان جدیدی را جلوی پای بشریت بگذارد؛ این یکی از اجزای حیات طیبه است. غربی‌ها این جور نیستند؛ بله، پیشرفت‌های مادی زیاد آوردند، در این زمینه‌ها حرف‌های جدید زدند، هنوز هم دارند می‌زنند، منتها این را همراه کردند با چیزی که سقوط از این نردبان در آن حتمی است؛ بله، نردبان را جلوی پای بشر می‌گذارند منتها کاری می‌کنند که از این نردبان حتماً بشر سقوط خواهد کرد؛ اخلاق را فاسد می‌کنند. شما امروز ملاحظه کنید در فرهنگ غربی زشت‌ترین و شنیع‌ترین کارها دارد شکل عادی، عرفی، قانونی می‌گیرد که اگر چنانچه کسی با اینها مخالفت بکند، محکوم می‌شود که چرا مخالفت می‌کند؛ به صرف اینکه انسان دلش می‌خواهد! خب، خیلی چیزها انسان دلش می‌خواهد. کار این پرده‌داری‌ها در غرب به کجا خواهد رسید؟ راه علاج ندارند؛ این یعنی راه خلاص قطعاً ندارند؛ این راهی که اینها دارند می‌روند، این جور که اینها دارند در انحطاط اخلاقی پیش می‌روند، پدر غرب را در خواهد آورد، نابودشان خواهد کرد. بیچاره مردم‌شان، انسان دلش برای مردم این کشورها و این ملت‌ها می‌سوزد؛ مردم بیچاره‌ای هستند. نخبان، تأثیر گذاران، برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران، روی اهداف خبث و پلید خودشان کارهایی دارند می‌کنند.



حجت الاسلام والمسلمین محمدیان در مراسم عزاداری دانشگاه تربیت مدرس:

استفاده حرام از بیت المال

مردم کوفه را به تقابل با امام حسین (علیه السلام) کشاند

حجت الاسلام محمدیان رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها در دانشگاه تربیت مدرس گفت: سندی مبنی بر اینکه از کوفه دزدی زیاد می‌شد نداریم اما مقصود شکم‌هایی که از حرام پر شده استفاده غیر حلال از بیت‌المال است و بخشش‌های بی‌موردی که از آن بین خودشان انجام می‌دادند. حرام خوری در هر صورت بد است اما دزدی از بیت المال بسیار بدتر و شما می‌بیند کسی حاضر نیست حتی شکلاتی را از مغازه‌ای بدون اجازه بردارد و آن را بد می‌داند اما وقتی نوبت به بیت المال می‌رسد هیچ رعایت نمی‌کنند و از شیر مادر حلال‌تر می‌دانند. متأسفانه در زمان ما در برخی از پروژه‌ها کار بدون خرج کردن حرام از بیت المال انجام نمی‌شود و انگار باید

ادامه در صفحه ۲

دکتر یعقوب فتحی‌پور در گفتگو با چشمه:

فرهنگ مراجعه به دانشگاه در کشور ما ضعیف است

صفحه ۱۲



که سرمایه جاودانی است "کار"

صفحه ۶



سوالات بی پایان در ذهن

صفحه ۴

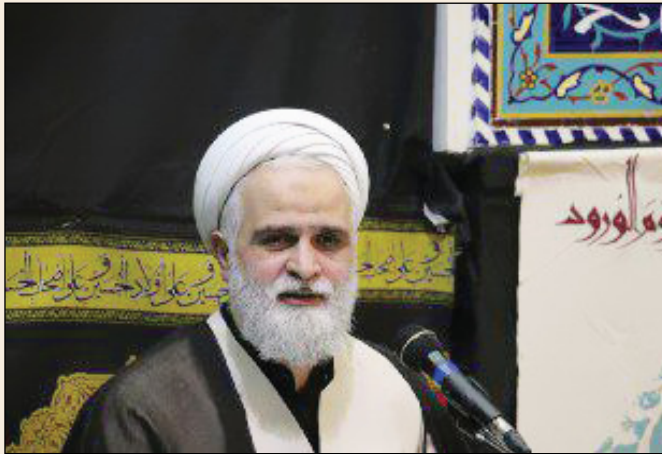


اولیونی که به علوم انسانی داده نشد

صفحه ۳

حجت الاسلام والمسلمین محمدیان در مراسم عزاداری دانشگاه تربیت مدرس:

استفاده حرام از بیت المال مردم کوفه را به تقابل با امام حسین (علیه السلام) کشاند



اگر می بینم بعضی از کارها هیچ برکتی ندارد، حتی کارهای فرهنگی. مگر می شود انسان در هر سفرهای بنشیند و در کار فرهنگی تاثیر گذار باشد؟

تحلیل های مختلفی هم در مورد عاشورا وجود دارد ولی امام حسین (علیه السلام) اصلی ترین آن را بیان می کنند و این است که انسان نباید در ضرورتها به سراغ حرام برود و اگر در مشکلات به شما بگویند باید این مال حرام بخورید و مشکلاتتان حل می شود و بدون این حل نمی شود، بدانید عواقب خطرناکی به دنبال آن برای زندگی شما در پیش رو خواهد بود.

حسین (علیه السلام) اصلی ترین آن را بیان می کنند و این است که انسان نباید در ضرورتها به سراغ حرام برود و اگر در مشکلات به شما بگویند باید این مال حرام بخورید و مشکلاتتان حل می شود و بدون این حل نمی شود، بدانید عواقب خطرناکی به دنبال آن برای زندگی شما در پیش رو خواهد بود.

حجت الاسلام محمدیان ادامه داد: بعضی ها می گویند سهم ما چه شد و آنقدر پرو هستن و درخواست می کنند و این پول را می برند در زندگی و بچه های خود را با این پول تربیت می کنند. نباید از این غافل شوید که راه خدا هزینه دارد. وی افزود: این گرفتاری بزرگی است

نداریم که دزدی زیاد می شد اما اینجا مقصود از شکمهایی که از حرام پر شده استفاده غیر حلال از بیت المال است و بخشش های بی موردی که از آن بین خودشان انجام می دادند.

حجت الاسلام محمدیان تصریح کرد: حرام خوری در هر صورت بد است اما دزدی از بیت المال بسیار بدتر و شما می بیند کسی حاضر نیست حتی شکلاتی را از مغازه های بدون اجازه بردارد و آن را بد می داند اما وقتی نوبت به بیت المال می رسد هیچ رعایت نمی کنند و از شیر مادر حلال تر می دانند.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی افزود: متأسفانه در زمان ما در برخی از پروژه ها کار بدون خرج کردن حرام از بیت المال انجام نمی شود و انگار باید پول از بیت المال به صورت حرام خرج شود تا کار صورت گیرد، والا انجام نمی شود. این استاد دانشگاه در خصوص علت واقعه کربلا گفت: تحلیل های مختلفی هم در مورد عاشورا وجود دارد ولی امام

که این اصلاً یک ساعت هم کار ندارد. بنابراین بسیاری از اینها در کربلا نمی خواستند به صورت مستقیم نقش داشته باشند. ولی بالاخره به جنگ آمدند و عاشورا اتفاق افتاد.

وی افزود: روز عاشورا وقتی این دو لشکر مقابل هم قرار گرفتند امام حسین (علیه السلام) بدون پوشیدن لباس رزم در مقابل لشکر دشمن ایستاد و سخنرانی کرد. امام حسین (علیه السلام) اسامی بزرگانی از کوفه که در لشکر دشمن بودند صدا زدند و فرمودند: مگر شما نبودید که برای من نامه نوشتید و مرا دعوت کردید و گفتید بیا که همه چی آمده است؟! اما شما بدانید که این بخششهایی که به شما شده است شما را بی ارزش کرده و شکمهایتان را از حرام پر کرده است.

حجت الاسلام محمدیان تصریح کرد: آیا این مردم کوفه از خانه هم دزدی می کردند؟ آیا از بازار کوفه سرقت می کردند؟ اصلاً گزارشی از کوفه

حجت الاسلام محمد محمدیان در مراسم عزاداری شب هشتم ماه محرم در دانشگاه تربیت مدرس گفت: کسانی در جریان عاشورا و در کربلا با امام حسین (علیه السلام) مقابله کردند که آشنا با اهل بیت و خانواده و امام حسین بودند و همه حدیث معروف پیامبر (صلی الله علیه و آله) که حسن و حسین (علیهما السلام) سید شباب اهل جنت هستند، را شنیده بودند.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی ادامه داد: خوب اگر بگوییم اهل نماز و روزه و تقوا نبودند اشتباه گفتیم و اگر بگوییم حرمت قتل مسلمان را نمی دانستند که می دانستند، و البته گزارشهایی تاریخی هست که خیلیها از این مخمصه فرار می کردند یعنی اگر از کوفه ۱۰۰ نفر اعزام می کردند، تا این لشکر به صحرای کربلا برسد به ۱۰ نفر تقلیل پیدا می کرد و اینکه شما می بینید مقابل یک لشکر ۳۰ هزار نفر در مقابل ۷۲ نفر یک روز طول می کشد، چرا

نقش استاد در سرنوشت جامعه

دکتر یعقوب فتح الهی
معاونت پژوهشی دانشگاه
تربیت مدرس



جامعه را تضمین می کند تربیت کنیم که رفاه، آسایش و تعالی بشریت را به ارمان بیاورد؟ یا اینکه ما می خواهیم به ابزارهای پیچیده دست یابیم که تسلط ما را بر عالم خلقت و حیات اجتماعی و سایر جوامع بیشتر کند؟ مانند آنچه که در غرب می گذرد. من برداشتم این است که دانشگاه های نظام اسلامی از طیف اول هستند و گرنه در همین دوران در نهایت رشد علمی که در دانشگاه های غرب وجود دارد، تراز دانشگاه به لحاظ قدرت و نظام سیاسی ایجاد تسلط است. چنانکه به همین دلیل است فرآورده های دانشگاهی و محصولات دانشگاهی بصورت لایه به لایه و با نگاه تبعیض آمیز به جوامع دیگر راه پیدا می کند. اگر قرار است آسایش و سعادت برای همه بشریت بوجود بیاید، تمامی دستاوردهای علمی باید بدون اینکه تبعیضی وجود داشته باشد در اختیار همه جوامع قرار گیرد و مایه رشد و شکوفایی همه انسانها به اندازه استعدادهایشان باشد در حالی که این چنین نیست.

سعادت را، ما وقتی می خواهیم که یک جامعه با طراوت، سرسبز، پاک، پارسا و فکور و جامعه ای که اعضایش نسبت به سرنوشت هم مراقب هستند، حساس هستند و احساس مسئولیت اجتماعی می کنند و با فکر، مطالعه و تحقیقات علمی در مورد مسائل تصمیم می گیرند نه فقط احساسات، داشته باشیم. باید توجه کنیم که استاد نقش بسیار بزرگی و سرنوشت ساز در این عرصه دارد. اگر ما آن فرهنگ و بینشی را که نسبت به خلقت در اسلام ناب محمدی وجود دارد، در طرح و برنامه فرهنگ دوره دانشجو رعایت نکنیم، به انحطاط می روییم. دانشگاه با کار نکردن، جامعه را منحط می کند، در حالی که گاهی با کار کردن بر اساس یک طرح و برنامه غیرمتعالی هم این کار را انجام دهد. بنابراین باید به این راهبرد توجه داشته باشیم که در درون دانشگاه می خواهیم چه کار کنیم؟ آیا ما می خواهیم انسان های پاک، پارسا، فکور و خردمند و مجهز به دانشی که سعادت انسان و

ساخته و پرداخته فرهنگ عمومی، قومی، مذهبی، باورها و هنجارهای حرفه ای و تخصصی در دانشگاهها هستیم. دانش آموزی که از مدرسه خارج و به دانشگاه وارد می شود، شخصیت معرفتی او کامل شکل نگرفته است. همچنان می توان در ابعاد نگرش و بینش او کار کرد، توسعه داد و شکوفاتر کرد و او را به عنوان یک موجودی با لایه های شخصیتی جدید به لحاظ حرفه ای تبدیل کرد. خود استاد یک موضوع مهمی است. استاد باید چه ویژگی های روحی، روانی، خلقی، اخلاقی و بینشی داشته باشد تا بتواند این کار را انجام دهد قصد و نیت او در انجام کار باید مشخص شود. قصد، نیت و تمام ابعاد شخصیتی استاد در پرورش و تربیت دانشجو تاثیر گذار است. باید استاد به این نیت کار کند که قرار است از این نعمت بالقوه ای که در اختیار او قرار داده اند و او امانت است، شخصیتی بسازد تا از گوهرهای وجود او همه بشریت بهره ببرد. اگر نگاه استاد غیر از این نگاه متعالی باشد، شقاوت را در جامعه رقم زده ایم. ما

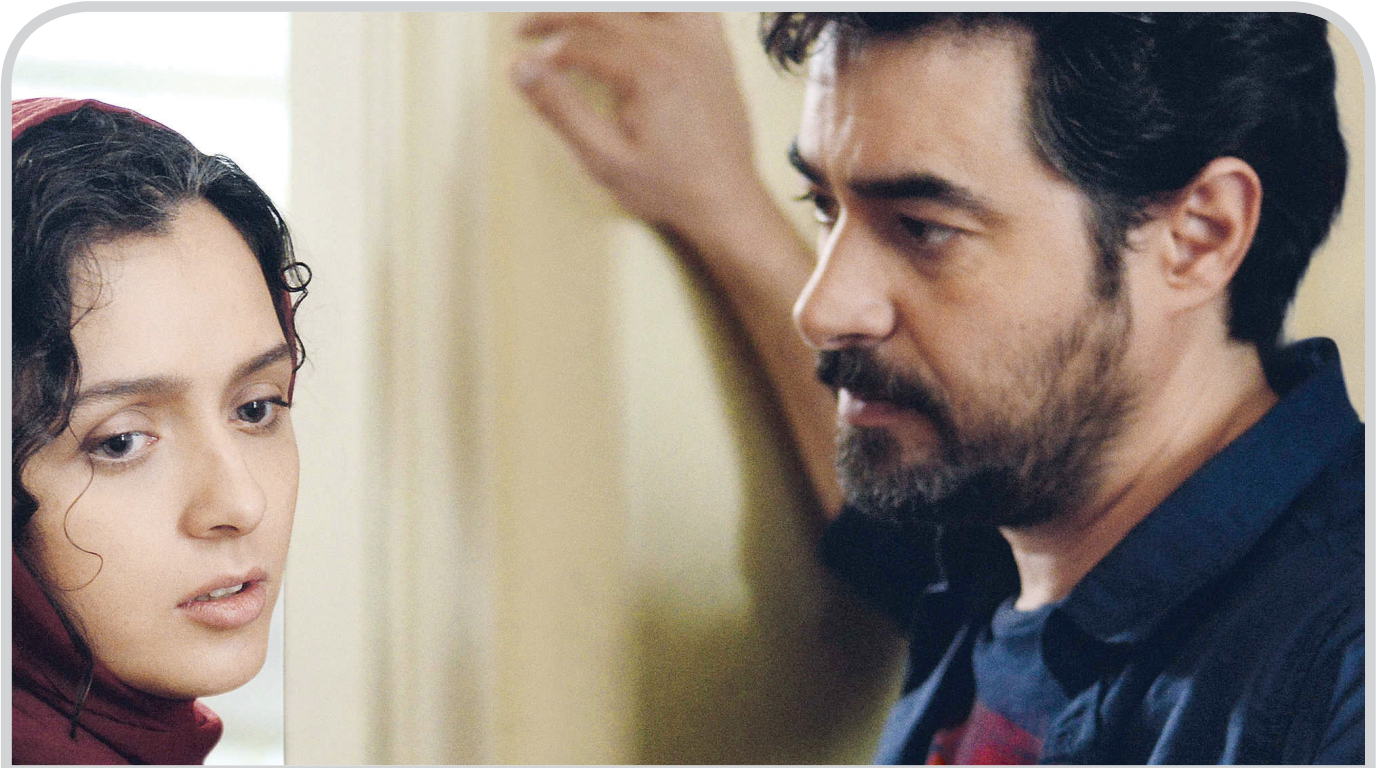
محیط خاص رشد و نمو می کند، این دیدگاه را می آموزد، باور می کند و به آن عمل می کند.

شخصیت یک انسان در سنین پایین بسته می شود اما ابعادی از شخصیت و با فکر، تعقل و خردورزی در واقع می تواند تغییر کند. آن شالوده ای که در سنین پایین برای شخصیت فرد بوجود می آوریم، فرد با همان زاویه دید دنبال اسوه های بیرونی در سنین بالا است. مادر بزرگ در خانواده برای کودک داستان رستم و سهراب را می گوید که در ذهنش رسوخ می کند که باید جوانمرد و پهلوان بود و ویژگی های جوانمردی را دانست و با همان داستان در نوجوانی به دنبال اسوه های پهلوانی می گردد. در نوجوانی مادر بزرگ داستان ابن سینا را می گوید که ما چنین دانشمندانی داشتیم و علم و عالم اینطور مقام و منزلت داشت، فرد وقتی بزرگ می شود دنبال اسوه های علمی در جامعه می گردد. اما ممکن است سازمان خانوادگی، نتوانسته باشد این کار را برای پرورش شخصیتش، فردی انجام دهد و بجای آن، فرد در کنار مشکلات اجتماعی، خانوادگی، شکست ها، اختلافات پدر و مادر و... بزرگ شود و احیاناً دچار انحرافات در مسیر زندگی اش گردد.

بنابراین هسته اصلی شخصیت آدمی در سنین پایین بسته می شود، توسعه و گسترش و نمو آن در طی دوران تحصیلات دانشگاهی فراتر از فرهنگ عمومی رشد می کند. ما در حرفه، کار و تخصص خودمان یک فرهنگ داریم. ما

طی دوران زندگی ما یک ویژگی ها و صفاتی را از جامعه، محیط و خانواده می آموزیم که در شخصیت ما رسوب می کند. کودکی که در یک خانواده مذهبی سنتی تربیت می شود با کودکی که در یک خانواده غیرمذهبی تربیت می شود، متفاوت است. اما همان کودکی که در خانواده غیرمذهبی پرورش یافته، اگر برنامه ای تربیتی جدیدی را در راستای تغییر بینش اش داشته باشید، می توانید شخصیتش را هم تغییر دهید. پس ما برای بازسازی و تکمیل شخصیت فرد در دوره های آموزشی یک بخشی داریم که فرد آن را با تفکر و تعقل و نیک اندیشی و با شناخت انتخاب می کند. فرهنگ لایه های مختلف دارد یک لایه فرهنگ عمومی است که ما در متن جامعه با هنجارهای این لایه سر و کار داریم و نسل ها آنها را در متن جامعه می آموزند. اگر در یک جامعه ای زندگی کنیم که صداقت، محور خانواده باشد، فرد راستگو بار می آید. بدون توجه به این که راستگویی چه اهمیتی دارد، باید راستگو باشید و دروغ نگویند چرا؟ چون نظم و انضباط خانواده و جامعه است، چون ما مسلمان هستیم معتقدیم مسلمان نباید دروغ بگوید. اما کودک رشد می کند در مرحله ای از رشد و نمو می گوید دروغ نباید گفت، راستگو باید بود چون سلامت جسمی و روحی ما به راستگویی پیوند خورده است و خورد ما در پرتو دانش و راستی بارور می شود. با این دیدگاه نباید دروغ گفت، این چیز جدیدی است که شاید فرد در کودکی آن را به تمام معنا درک نکند، اما در یک

وو اما چرا یک پدر باید دست به چنین جنایتی بزند؛ یک پدر که آنقدر از نظر مالی در مضیقه است و هشتش گره نهانش هست که به اجبار بر روی وانت دامادش کار می‌کند؛ همسر مهربان و دلسوزی دارد که خود او نیز به او تعلق خاطر دارد؛ ما چرا چنین پدری باید دست به چنین جنایتی بزند؛ چیزی که رخ می‌دهد آن است که اخلاق انسانی در جامعه آنقدر نزول پیدا کرده که به راحتی می‌توانیم به دیدن جنایتی بنشینیم و با توجه به بزرگی جنایت به سادگی از کنارش بگذریم و حتی تا حدود زیادی به جانی قصه حق دهیم؛ چون بیمار است؛ پیرمرد است؛ و بدتر از آن پدر خانواده‌ای است که فرزندش هم در شرف ازدواج است؛



سوالات بی پایان در ذهن



مریم فرهنگ

دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی

است که داستان‌هایی که او روایت می‌کند همگی متعلق به قشر متوسط جامعه است؛ قشر متوسطی که همیشه اشتباه می‌کنند و علی‌رغم ظاهر خوب و اخلاق گرایش‌شان همیشه دست به اشتباهات جبران ناپذیری می‌زند و همیشه یک نفر از قشر پایین‌تر جامعه باعث ایجاد زحماتی برای این قشر متوسط می‌شود و معلوم نیست که چرا همیشه این قشر باید مورد اتهام قرار بگیرد.

این که فرهادی؛ فیلمساز دغدغه‌مندی است و توانایی همراه ساختن مخاطب خود را دارد کاملاً مشخص است اما به وضوح روشن است که فرهادی کاری با سوالات بی‌پایانی که در ذهن ایجاد می‌کند ندارد و نیازی هم به پاسخگویی نمی‌بیند؛ زیرا اعتقاد دارد کار هنرمند ایجاد سوال است و بقیه باید پاسخ به سوالات را بیابند؛ اما نکته‌ی مهمی که فرهادی به آن توجه نمی‌کند آن است که سوالات ایجاد شده در فضایی که توسط هنرمند ساخته شده به وجود آمده پس باید در همان فضا پاسخ داده شود و یا حداقل راهی به سوی مخاطبش باز کند که خود او قادر به یافتن حل مسائل مطرح شده باشد؛ هنرمندی که دغدغه‌اش فراتر از یک نمایش سینمایی است قطعاً به بلایی که بر سر مخاطبش می‌آورد هم فکر می‌کند. و سینما تا وقتی از مسئولیت اجتماعی و اصلاح گرش سر باز بزند هرگز با طرح سوال قادر به حل معضلات جامعه نخواهد بود.

جنایتی که انجام داده است حق می‌دهد که خب همه‌ی انسانها وسوسه می‌شوند. اما چرا یک پدر باید دست به چنین جنایتی بزند؛ یک پدر که آنقدر از نظر مالی در مضیقه است و هشتش گره نهانش هست که به اجبار بر روی وانت دامادش کار می‌کند؛ همسر مهربان و دلسوزی دارد که خود او نیز به او تعلق خاطر دارد؛ ما چرا چنین پدری باید دست به چنین جنایتی بزند؛ چیزی که رخ می‌دهد آن است که اخلاق انسانی در جامعه آنقدر نزول پیدا کرده که به راحتی می‌توانیم به دیدن جنایتی بنشینیم و با توجه به بزرگی جنایت به سادگی از کنارش بگذریم و حتی تا حدود زیادی به جانی قصه حق دهیم؛ چون بیمار است؛ پیرمرد است؛ و بدتر از آن پدر خانواده‌ای است که فرزندش هم در شرف ازدواج است. نقش بابک و بقیه‌ی شخصیت‌های فرعی و همین‌طور رعنا از نیمه‌ی دوم فیلم به کلی فراموش و به حاشیه می‌رود و تمام بار داستان بر روی دوش عماد و انتقام او از فرد خاطی است. نکته‌ی مهمی که با مشاهده‌ی سیر فیلم‌های فرهادی به آن می‌رسیم آن

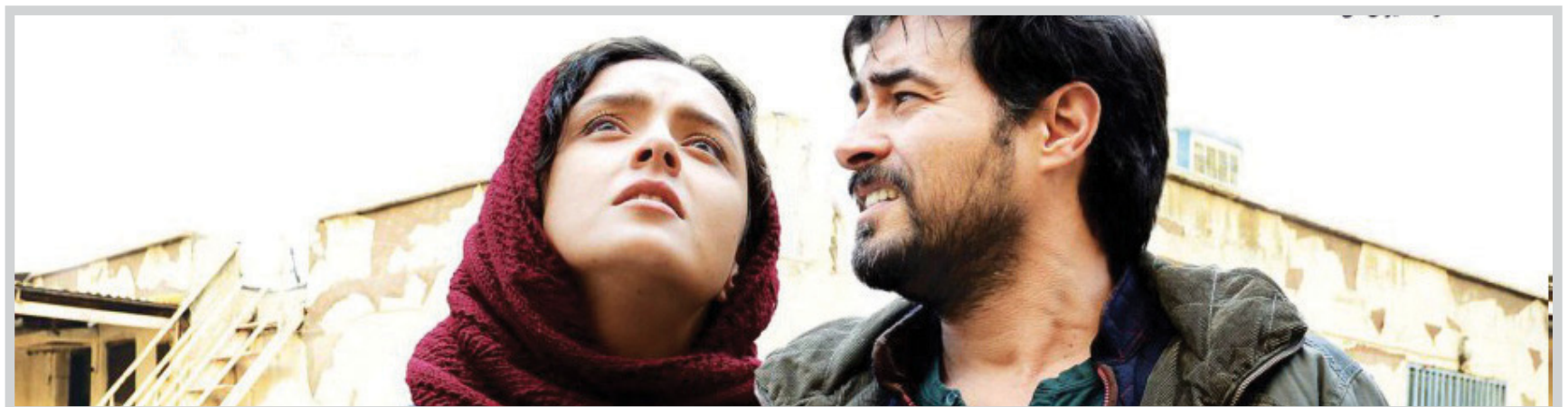
معلولی بسیاری در آن وجود دارد. فیلمنامه نویس مجبور است برای آنکه داستانش پیش برود به صورت حیرت آوری وجود پلیس در خلال داستان را حذف کرده است به طوری که نه بیمارستان و نه همسایه‌ها و نه حتی خود رعنا (ترانه علیدوستی) که مورد تجاوز و ضرب و شتم قرار گرفته است؛ به صورت هماهنگ شده‌ای هیچ کدام به پلیس خبر نمی‌دهند؛ تا آنجا که بر حسب اتفاق خود مجرم بجای دامادش برای جابه‌جا کردن وسایل عماد پا به مهلکه می‌گذارد. و با اتفاقات عجیبی نظیر آنچه در پایان فیلم می‌بینیم؛ عماد (شهاب حسینی) دفترچه‌ی پیرمرد را به همراه یک سری خرت و پرت که از وانت برداشته به پیرمرد تحویل می‌دهد؛ اینجاست که مخاطب می‌ماند که خب چرا از همان اول دفترچه را باز نکرد و اسم و فامیل فرد خاطی را نخوانده که مجبور نشود از طریق یکی از شاگردانش آن هم از روی شماره پلاک به صاحب ماشین برسد و حالا بعد از آنکه عماد بالاخره مجرم را می‌یابد؛ مجرم چنان مفلوک و حقیر است که مخاطب با او احساس همدردی می‌کند و به او بابت

متعلق به خودش رسیده است که مبنی بر موقعیت‌های بُرنج پیش می‌رود. وقتی شما به فیلم‌های فرهادی نگاه می‌کنید به صورت حیرت آوری تحت تاثیر آنها قرار می‌گیرید و این اغوا توسط نوعی حلیه گری معکوس نامرئی و رفتن به موقعیتی ناتواستیتی پیش می‌رود. شما پس از تماشای فیلم سالن سینما را ترک می‌کنید و در خلوت خود به آنچه بر روی پرده دیده‌اید می‌اندیشید؛ متوجه نکاتی می‌شوید که در خلال فیلم باورش کردید اما بعد که از آن فاصله گرفتید؛ خیلی از مسائل فیلم و فیلمنامه برایتان غیر باور است و سوالات فراوانی برایتان ایجاد می‌شود که شاید هرگز نتوانید پاسخ آنها را بیابید.

بزرگترین نقص فیلم فروشنده فیلمنامه‌ی آن است که مبتنی بر رخداد پیش می‌رود و هیچ موتور درونی و روابط علی و معلولی برای پیشبرد قصه وجود ندارد و همه چیز بر سر اتفاقاتی می‌گذرد که فیلمنامه نویس برای تکمیل روایتش مجبور به قرار دادن آنها در قصه شده و ملزومات خود قصه و روایت رعایت نمی‌شود به همین خاطر است که اشتباهات عقلی و علی و

فیلم فروشنده آخرین ساخته‌ی اصغر فرهادی که موفق به کسب دو جایزه‌ی بهترین فیلمنامه و بهترین بازیگر نقش اول مرد از جشنواره فیلم کن شده و از طرفی به عنوان نماینده‌ی سینمای ایران به جشنواره اسکار معرفی گردیده است فیلمی بسیار متوسط در کارنامه‌ی فرهادی است؛ هر چند که باید بپذیریم فرهادی دیگر به یک سبک سینمایی

وو فیلمنامه نویس مجبور است برای آنکه داستانش پیش برود به صورت حیرت آوری وجود پلیس در خلال داستان را حذف کرده است به طوری که نه بیمارستان و نه همسایه‌ها و نه حتی خود رعنا (ترانه علیدوستی) که مورد تجاوز و ضرب و شتم قرار گرفته است؛ به صورت هماهنگ شده‌ای هیچ کدام به پلیس خبر نمی‌دهند؛ تا آنجا که بر حسب اتفاق خود مجرم بجای دامادش برای جابه‌جا کردن وسایل عماد پا به مهلکه می‌گذارد؛





فاطمه رحمانی

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی
دانشگاه تربیت مدرس

لطفاً بی تفاوت نباشیم!

کنار علم، فرهنگ و تزکیه و اخلاق و معنویت هم لازم است، در این هیچ شبهه نکنید^۱

روحیه آرمانگرایی و آرمانخواهی ویژگی دیگر دانشجوی اسلامی می باشد، به عبارت بهتر دانشجوی اسلامی باید آرمان ها را ببیند و بخواهد. آرمان خواهی با شناخت آرمان ها ارتباط دارد در واقع وظیفه دانشجوی اسلامی این است که در تمام زمینه ها علمی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و... ابتدا به کشف و شناخت آرمان ها بپردازد یعنی دانشجو باید در گام اول بداند که در زمینه پیشرفت علمی نقطه آرمانی چیست؟ بداند که اقتصاد آرمانی کشور چه ویژگی هایی دارد؟ بداند که جامعه مدنی آرمانی باید چگونه باشد؟ بداند که ایده آل فرهنگی کشور در کلیه زمینه ها چیست؟ و... در گام دوم برای رسیدن به این آرمان ها تلاش کرده و در آن پافشاری کند

«شما محافظه کار نشوید، ممکن است گذشت سن، بعضی ها را محافظه کار کند، اما موتور حرکت، جوانی است. جوان ما نباید محافظه کار شود. جوان باید آرمانگرا باشد. از آرمان ها کوتاه نیاید. آرمان ها را بخواهید، قله ها را بطلبید تا یقین بکنیم که به نیمه راه لاقط خواهیم رسید. البته اگر قله را بطلبید، بنده یقین می کنم به خود قله هم خواهید رسید. روحیه آرمانگرایی را که از جمله مصادیق روحیه آرمانگرایی، تمسک به اصول و مبانی فکری است، از دست ندهید»^۲

نکته مهم دیگر در ویژگی های دانشجوی اسلامی اصل بلوغ و شعور سیاسی دانشجویان است، در واقع دانشجوی اسلامی نه تنها در حوزه علم بلکه در حوزه سیاست نیز باید پیشتاز باشد. دانشجوی اسلامی باید بلوغ سیاسی لازم را داشته باشد و جامعه را نیز به سمت بلوغ سیاسی هدایت کند. به عبارت بهتر دانشجوی اسلامی دانشجویی تک بعدی نیست بلکه دارای بینش و بصیرتی چند بعدی در تمام زمینه ها می باشد.

دانشجوی اسلامی دارای بصیرتی سیاسی بوده و سیاست زده نمی باشد بلکه تلاش می کند بینش و بصیرت سیاسی خود را افزایش داده و در راستای بلوغ سیاسی جامعه تلاش

می کند. در واقع دانشجوی اسلامی اهل سیاست بازی و بازی سیاسی نیست بلکه اهل سیاستگری و تحلیل سیاسی است.

«چیزی که من همیشه در مواجهه با دانشجویان، روی آن تکیه می کنم، «پیدا کردن قدرت تحلیل مسایل و جریان های مهم کشور» است. سیاست در دانشگاه ها - که بنده همیشه روی آن تأکید کرده ام - به این معنا است. ما دو کار سیاسی داریم؛ (یکی) سیاست زدگی و سیاست بازی است. این را من به هیچ وجه تأیید نمی کنم؛ نه در دانشگاه و نه در بیرون دانشگاه، به خصوص در دانشگاه. یکی هم سیاستگری است، یعنی حقیقتاً فهم و قدرت تحلیل سیاسی پیدا کردن که یکی از وظایف تشکلهای دانشجویی این است»^۳

دانشجوی اسلامی اهل آزاد اندیشی است، در واقع دانشجوی اسلامی در فضایی باز و علمی به بیان اعتقادات خود در هر زمینه ای (علمی، فرهنگی، سیاسی و...) پرداخته و از نقدها نیز نمی هراسد، در این راستا رسالت دانشگاه اسلامی نیز ایجاد فضایی برای مباحثات آزاد و علمی است مباحثاتی که در نهایت به نمایان شدن حقیقت انجامیده و ایده هایی ناب برای حل مسائل کشور از آن خارج شود.

«شما کرسی آزادفکری سیاسی را، کرسی آزادفکری معرفتی را (در) همین دانشگاه تهران، همین دانشگاه شریف، همین دانشگاه امیرکبیر به وجود بیاورید. چند نفر دانشجو بروند، آنجا حرفشان را بزنند، حرف همدیگر

را نقد کنند، با همدیگر مجادله کنند. حق، آنجا خودش را نمایان خواهد کرد. حق اینجوری نمایان نمی شود که کسی یک انتقادی را پرتاب بکند، اینجوری که حق درست فهمیده نمی شود. ایجاد فضای آشفته ذهنی با لفاظی ها، هیچ کمکی به پیشرفت کشور نمی کند. شما تجربه این پدر پیرتان را در این زمینه داشته باشید. آن (چیزی) که کمک می کند به پیشرفت کشور، آزادی واقعی فکرها است، یعنی آزادانه فکر کردن، آزادانه مطرح کردن، از هو و جنجال نترسیدن، به تشویق و تحریض این و آن هم نگاه نکردن. یک وقت شما یک حرفی (را) می زنید، ناگهان می بینید همه ناظران سیاسی جهان که وجودشان انباشته از پلیدی و خباثت است، برای شما کف می زنند. به این تشویق نشوید. به قول رایج بین جوان ها، جوگیر نشوید. بحث درست بکنید، بحث منطقی بکنید. سخنی را بشنوید، سخنی را بگویید، بعد بنشینید فکر کنید. این همان دستور قرآن است؛ «فبشر عبادی الذین يستمعون القول فیتبعون احسنه»، سخن را باید (شنید)، بهترین را انتخاب کرد»^۴

در نهایت می توان عنوان کرد که دانشجوی اسلامی باید همواره انقلابی باشد و روحیه استکبارستیزی در وی نهادینه شده باشد. در واقع دانشجوی اسلامی باید همواره برای آرمان های انقلاب اسلامی تلاش کند

دانشگاه باید پایگاهی برای نشر ارزش های انقلاب بوده و دانشجویان باید در راستای تعمیق این ارزش ها تلاش کنند. دانشجوی اسلامی باید نه تنها خود به آرمان های انقلاب پایبند باشد بلکه با حرکت های علمی این آرمان ها را در جهان طنین انداز کند.

«دانشگاه و دانشجو باید همواره انقلابی باشند. ایشان با اشاره به برخی گزارش ها مبنی بر گرایش به سوی جانبداری از جریان های مخالف نظام، در برخی دانشگاه ها خاطر نشان کردند: مسئولان آموزش عالی باید بسیار مراقب باشند تا دانشگاه تبدیل به جایگاهی برای واگرایی از مفاهیم و ارزشهای انقلاب نشود. رهبر انقلاب اسلامی تأکید کردند: وجود فضای انقلابی گری و تدین و یاد و نام امام (ره) از الزامات حتمی در دانشگاه ها است»^۵

همتم بدرقه راه کن ای طائر قدس که دراز است ره مقصد و من نوسفرم

(پی نوشت)

- ۱- (بیانات مقام معظم رهبری در جمع دانشجویان/ دیماه ۹۰)
- ۲- همان
- ۳- همان
- ۴- همان
- ۵- (بیانات مقام معظم رهبری در جمع دانشجویان - خرداد ۹۵)



و دانشجوی اسلامی اهل آزاد اندیشی است، در واقع دانشجوی اسلامی در فضایی باز و علمی به بیان اعتقادات خود در هر زمینه ای (علمی، فرهنگی، سیاسی و...) پرداخته و از نقدها نیز نمی هراسد، در این راستا رسالت دانشگاه اسلامی نیز ایجاد فضایی برای مباحثات آزاد و علمی است مباحثاتی که در نهایت به نمایان شدن حقیقت انجامیده و ایده هایی ناب برای حل مسائل کشور از آن خارج شود.»



عاطفه سلطانی

دانشجوی کارشناسی ارشد همتا تلوژی
دانشگاه تربیت مدرس

که سرمایه جاودانی است "کار"

داشتنی و خلاقانه و دوست نداشتنی و کسل کننده تقسیم کرده ایم و این یعنی به حاشیه راندن طیف عظیمی از مشاغل که برای ادامه حیات فردی و اجتماعی بشر ضروری هستند. و آنچه تلخ تر است این است که کمی بررسی بر منشأ پیدایش ایدئولوژی "کاری را بکن که دوست داری یا کاری را که می کنی دوست داشته باش" ما را به سرمایه داران و کارفرمایانی می رساند که با متقاعد کردن کارگران خود به اینکه دارند کاری را می کنند که دوست دارند، شیوه نوینی از استثمار را به کار گرفته اند. البته آنچه انکارناپذیر است این است که طبیعتاً کاری که لذت بخش تر است کمتر خسته کننده است و نسبتاً بازدهی بهتری نیز دارد اما بحث بر سر همه گیر شدن بینش لذت محوری، راحت طلبی و فردگرایی است و نیز سایر آسیب های اجتماعی که موارد اندکی از آنها اشاره گردید.

بیش از هر چیز مرهون تعهد، تلاش و ایثار جمعیت جوانش است. ایدئولوژی "کاری را بکن که دوستش داری" زمانی بیشتر برای ما به چالش کشیده می شود که در مقابل کلام امیرالمومنین امام علی (علیه السلام) قرار می گیرد که می فرمایند: برترین کارها، کاری است که نفس خود را بر انجام آن مجبور گردانی، روشن است که این روایت به اثر تربیتی کار بر نفس انسان اشاره می کند، در حالی که اگر انگیزه انسان ها از کار کردن صرفاً لذت بردن باشد و در این راه هیچ گونه زحمتی را متحمل نشوند، به نظر شما پیامد و بازدهی این همه خودمحموری و خودشیفتگی در فرد و جامعه چه خواهد بود؟ مشاغل ضروری پرزحمت و کمتر دوست داشتنی را چه کسانی باید برعهده بگیرند؟ مگر نه این است که با چنین بینشی عملاً مشاغل و کارها را به دو دسته ی دوست

میان مردم محبوبیت و مقبولیت پیدا کرده، اتفاقی که اشاره شد، دور از انتظار نخواهد بود. این جمله و عبارات شبیه به این را بارها و بارها شنیده ایم و خوانده ایم، اما جالب است بدانیم این ایده "پرداختن به کار مورد علاقه" از کجا نشأت گرفته و چه فلسفه هایی در پس پرده پنهان دارد؟ کار و تلاش برای امرار معاش، از دیرباز در همه جوامع بشری با فرهنگها و ادیان مختلف نوعی فضیلت محسوب می شده در حالی که جنبه "لذت بخشی" چندان در آن لحاظ نمی شده است. راه دوری نرویم، شرایط شغلی و امرار معاش همین دو سه نسل پیش از خودمان را که از نظر بگذرانیم به روشنی

واژه "کار" در لغت نامه ها و فرهنگ های فارسی به صورت های مختلفی تعریف شده: آنچه کسی انجام می دهد و در ازای آن پول دریافت می کند، پیشه، شغل، مسئولیت، وظیفه، سعی و جهد، گرفتاری و دشواری. اما گویا این واژه کم کم دارد معنای واقعی خود را بین مردم از دست می دهد، شاید روزی برسد که در فرهنگ نامه ها بنویسند: کار: آنچه فرد انجام می دهد بدون رنج و زحمت، برای کسب لذت و آرامش، پزدادن به این وان و در ازای آن پول دریافت می کند! در روزگاری که ایدئولوژی "کاری را بکن که دوست داری" تا این حد در

زمان ما را با خود برده است...

روز حربه های جدیدتر، تیرهای غیب از زمین و آسمان! چنان مار خورده که افعی گشتند! دشمن ترس از چه داشت که یک شب هم آرام و قرار نگرفت؟ نمی شد گفت تنها «علم»... چرا که خود نیز در علم سخن بسیار داشت تا به بهای دل انگیزش بفروشد، چون اهرمنی می ترسید کسی جز او به علم رسد. کمی بعد فهمید چیز دیگری است که توان علم را چند برابر کرده و بهایش با هیچ ثروت مادی قابل پرداخت نیست. ایستادگی و مقاومت فرزندان این خاک متحیرش کرده بود. فرزند این بوم و بر را زیر چتر ظلم نمی توانست جا دهد و به بردگی کشد.

اکتون در دوران سی سالگی توان علمی او قدرت او شده، برای مقابله با دشمن و دفاع از خود؛ چرا که پدر همیشه می گفت: «روایتی داریم که فرمود: «العلم سلطان من وجده سال و من لم یجد صیل علیه» باید علم پیدا کنی علم که پیدا کردید پنجه ی قوی پیدا خواهید کرد. اگر علم نداشته باشید کسانی که دارای پنجه قوی هستند دست شما را می پیچانند». هر چند او قوی شده بود اما دشمنانش آسوده ننشسته بودند. آن هنگام که او مرهم بر درد می گذاشت تا جان گیرد دشمنانش خود را مجهز و نیرویشان را افزون می کردند؛ هر روز تازه نفس تر، هر

که ثروت هایی که هر روز بر زمین می افتادند و شیشه عمری را که در دستان گران زمان افتاده بود؛ جز با قدرت علمی با هیچ چیز دیگر توان بازگرداندن نیست. هر چه بیشتر زمان می گذشت. او بیشتر احساس تکلیف می کرد پس تمام تلاش خود را بکار برد تا ادای دین کند! خون بهای آن همه یادگاران انقلاب حال تنها یک جمله بود «ما می توانیم». هر جا در میان بازی روزگار و فریب دشمنان و رقیبان و جدایی رفیقان نفس کم می آورد با یادآوریش نفس تازه می کرد، قامت خمیده اش را صاف می کرد و جانی دوباره می گرفت.

یکسال از جنگ می گذشت که متولد شد. مولود انقلاب رشد کرد و بزرگ شد. مستقل شد... این روزها در دهه سی سالگی اش است. دوران تولد او با جنگ قرین شده بود جنگی که عزیزان زیادی را از او گرفته بود و می گرفت، داغ دل مادران را بیشتر می کرد. در این دنیای به این بزرگی هیچ کس کمکشان نکرد. آن دوران توان لازم برای مقابله و دفاع را نداشت؛ کودک بود و نوپا! دوران سختی بود اما خوب می شد فهمید



لیلیا استاد آسیابی

دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی
دانشگاه تربیت مدرس



الناز بهمنی

دانشجوی کارشناسی ارشد خوردگی دانشگاه تربیت مدرس

چطور اسیر مصرف گرایی شدیم؟

و مادری گرایی و جریان سرمایه‌داری آن چنان در قلب جامعه غربی رسوخ کرده است که حتی دین و کتب الهی‌شان را هم دستخوش تحریف کرده به گونه‌ای که اهداف مادی آن‌ها را تشویق و تایید می‌کند؛ با این توجیه که انسان خودساخته و سرمایه‌دار و توانمند بهتر می‌تواند راه رسیدن به خدا را پیدا و در آن جهت حرکت کند و در واقع با چشم انداز بهشت و سرزمین موعود هر مسیری را طی می‌کنند بلکه سرانجام به هدف و مقصد والای خود دست پیدا کنند؛

زحمت زیادی هم لازم نیست، هر طرف را نگاه می‌کنم، ردپایی هست... این روزها کم پیدا می‌شوند آدم‌هایی که چشمشان دنبال زندگی بقیه نباشد، کم و زیاد زندگی خودشان را با بقیه مقایسه‌نکنند.

نمی‌دانم چگونه و از کجا شروع شد؟ این میل به همه چیز! از خودشان که می‌پرسی می‌گویند تا جوانیم باید جوانی کنیم، می‌خواهیم مد روز بشیم؛

زن روز، مرد روز، لباس روز، خانه مد روز، اخلاق امروزی، عقاید امروزی...

و هرگز کسی از خود نمی‌پرسد چه کسی و بر چه اساسی مد روز را تعریف می‌کند؟ چرا مدگذاران نمی‌گذارند خودمان باشیم؟ چرا کسی برای عقیده و سلیقه متفاوت ما ارزش قابل نیست؟ چگونه است که یک نفر بعنوان شخص زیبا و ملاک زیبایی تعیین می‌شود و دیگران خودشان را باید با او بسنجند و در ساده‌ترین حالت یا به خودشان افتخار کنند که شبیه به او هستند یا دچار نارضایتی شوند و در نهایت با تیغ جراحی و انواع دارو و ابزار تغییر چهره و اندام، خود را تبدیل کنند به نمونه درجه دوم یا چندم آن!

این سونامی احساس نیاز به هر چیز و تاکید می‌کنم هر چیز که بعنوان نیاز ما مطرح می‌شود، نشان از ضعف شخصیت و عدم شکل‌گیری هویت مستقل ما دارد؛ در واقع خبر از این حقیقت تلخ می‌دهد که ما آن طور که باید، الگوی اسلامی خود را مطرح نکرده‌ایم. الگویی که هویت انسانی را در رضایت خداوند تعریف کرده و بندگی خدا را مقصود والای انسانیت معرفی می‌کند؛ دست انسان را می‌گیرد و از خاک طمع بلندش

می‌کند. به کرات بندگی برای این دنیا و تمنای دل را نهی می‌کند؛ تمنای دل، همان چیزی که در بیان روشن فکرا نه و امروزی! اسمش را لذت و زندگی در لحظه و هزار عبارت شیرین دیگر می‌گذارند. مال دنیا را جز وسیله‌ای برای امتحان و فتنه نمی‌داند و زمانی ارزش پیدا می‌کند که رنگ انفاق و کمک به هم نوع پیدا کرده است. سود در الگوی اسلامی ترجیح ابدیت است به فنا، هرگز ثروت بعنوان هدف مطرح نشده و همواره بخشش و بهره برداری از ثروت در راستای ترویج دین و خدمت به خلق سفارش شده است.

مصرف گرایی، دقیقاً مقابل قناعت است در سبک زندگی اسلامی؛ قناعتی که صحبت از آن در شرایط کنونی، کمی سخت و حتی خنده‌دار شده است. وقتی نگاهی به زندگی آدم‌های دور و برم می‌اندازم، حتی وقتی خودم را می‌بینم، به این فکر می‌کنم که چقدر حاضریم از چیزهایی که بقیه دارند صرف‌نظر کنیم و ساده زندگی کنیم، راضی باشیم به رضای خدا؛

اوج این مصرف گرایی را می‌توان در غرب جستجو کرد، همانطور که انتظار هم می‌رفت! جایی که به معنای واقعی کلمه می‌توانند هر جنس بی‌قیمت و بنجلی را از مدل لباس و مدل زیبایی و مدل مو گرفته تا فکر و عقیده و ارزش، مرغوب و خواستنی جلوه دهند و حتی به این هم بسنده نکنند و داشتن آن را نیاز و نداشتنش را عیب تلقی کنند و جامعه را به سمتی پیش ببرند که میل دارند و نهایتاً اختیار را از افراد سلب کرده و توهم اختیار را در آن‌ها تقویت کنند.

همچنین مادی گرایی و جریان سرمایه‌داری آن چنان در قلب جامعه غربی رسوخ کرده است

که حتی دین و کتب الهی‌شان را هم دستخوش تحریف کرده به گونه‌ای که اهداف مادی آن‌ها را تشویق و تایید می‌کند؛ با این توجیه که انسان خودساخته و سرمایه‌دار و توانمند بهتر می‌تواند راه رسیدن به خدا را پیدا و در آن جهت حرکت کند و در واقع با چشم انداز بهشت و سرزمین موعود هر مسیری را طی می‌کنند بلکه سرانجام به هدف و مقصد والای خود دست پیدا کنند؛

همین مدعیان آزادی اندیشه، خوب می‌دانند چگونه می‌شود قدرت تفکر آدمی را از کار انداخت، زمانی که روش تحلیل فردی را بتوان تغییر داد و مدل تحلیلی خود را غالب کرد، در واقع خروجی فکر آن فرد فقط و فقط خروجی موردنظر آن‌ها خواهد بود، حتی اگر فرد در انتخاب ورودی آزاد و مختار باشد! در حقیقت در شرایط کیش و ماتی گرفتار می‌شوید که هر انتخاب و عملی از شما سرزنند، بازی در زمین آنهاست، گر چه اینطور به نظر نرسد! مثلاً کفایت تحلیل سودمحوری و مادی گرایی را در ذهن افراد نشاناند و سپس منتظر نتیجه ماند، شخص به صورت خودکار هر گاه منافع خود را در خطر ببیند واکنش نشان خواهد داد؛ واضح است چنین شخصی نسبت به مفهوم از خودگذشتگی و کمک به هم نوع و رفع ظلم و مبارزه برای گرفتن حق مظلوم و بسیاری اهداف دیگر بی‌تفاوت خواهد ماند؛

می‌شود اما اینقدر سخت نگرفت و گفت این‌ها توهم توطئه دشمن است؛ مگر چه اشکالی دارد؟ هر روز یک شکل و قیافه، مگر تنوع چه اشکالی دارد؟ اصلاً قناعت مغایر است با پیشرفت آدمی، مگر نه اینکه همین غربی‌ها نماد پیشرفت و آزادی و انسانیت و حمایت از حیوانات و اصلاً

پایه‌گذاران نماد صلح جهانی هستند؟ ما ساده می‌گیریم، ولی آن‌ها نه؛ کسانی که پول‌های هنگفت را خرج رسانه و معرفی و القای نیاز به دنیا می‌کنند، ساده نمی‌گیرند؛ و تجربه هم نشان می‌دهد اصولاً نباید به نیت انسان دوستانه آن‌ها زیاد امیدوار بود، نمی‌شود دست روی دست گذاشت تا اسب خود را بتازانند و ذهن و هویت ما را با قالب‌های ساخت خود برش بزنند. لاف‌ها در ساده‌ترین حالت می‌توان قبل از انجام هر کاری از خود پرسید چرا؟

یادمان باشد لازم نیست نسبت به آدم‌های زیادی پاسخگو باشیم، لازم نیست مورد پسند آدم‌های زیادی واقع شویم، احتیاجی هم به جلب رضایت همه نداریم، ما راضی می‌شویم تنها به رضایت خدا...

و ما ساده می‌گیریم، ولی آن‌ها نه؛ کسانی که پول‌های هنگفت را خرج رسانه و معرفی و القای نیاز به دنیا می‌کنند، ساده نمی‌گیرند؛ و تجربه هم نشان می‌دهد اصولاً نباید به نیت انسان دوستانه آن‌ها زیاد امیدوار بود، نمی‌شود دست روی دست گذاشت تا اسب خود را بتازانند و ذهن و هویت ما را با قالب‌های ساخت خود برش بزنند. لاف‌ها در ساده‌ترین حالت می‌توان قبل از انجام هر کاری از خود پرسید چرا؟

و هر چند او قوی شده بود اما دشمنانش آسوده ننشسته بودند. آن هنگام که او مرهم بر درد می‌گذاشت تا جان گیرد دشمنانش خود را مجهز و نیرویشان را افزون می‌کردند؛ هر روز تازه نفس‌تر، هر روز حربه‌های جدیدتر، تیرهای غیب از زمین و آسمان! چنان مار خورده که افعی گشتند! دشمن ترس از چه داشت که یک شب هم آرام و قرار نگرفت؟ نمی‌شد گفت تنها «علم»... چرا که خود نیز در علم سخن بسیار داشت تا به بهای دل انگیزش بفروشد، چون اهرمنی می‌ترسید کسی جز او به علم رسد. کمی بعد فهمید چیز دیگری است که توان علم را چند برابر کرده و بهایش با هیچ ثروت مادی قابل پرداخت نیست. ایستادگی و مقاومت فرزندان این خاک متحیرش کرده بود. فرزند این بوم و بر را زیر چتر ظلم نمی‌توانست جا دهد و به بردگی کشد.



این است که تعدادی از فرزندان او مجبور شدند صندلی‌های دانشگاه را رها کنند و رسالت علمی خود را به الباقی بازماندگان بسپارند تا آنان آنچنان که شایسته است بهای خون برادران خود را با علم بپردازند! هر لحظه‌ای که از هدف بازمانند برادران خود را به قتلگاه نزدیک‌تر کرده‌اند! درست است که دشمن بی‌نهایت بی‌رحم است اما چاره‌ای نیست جز تحمل و توکل و یادآوری به خودمان که آن‌ها مانده‌اند و زمان ما را با خود برده است. «مدافعان حرم» برادران مظلوم ما هستند که مرگشان در سکوت، هیاهوی ما را در علم می‌طلبند.

ادامه از صفحه ۶
از هر کدام که غافل شدی و دست کشیدی همان می‌شود، پاشنه‌ی آشیل! اگر علمش در راه ساختن سلاح بر ضد توست؛ چه انسان‌های تک بعدی و مطیع لایعقل و چه سلاح‌های بی‌جانی که جان از کفت برون می‌کنند. نمی‌توانی بگویی توان مبارزه در هر دو راه را ندارم و یکی را انتخاب می‌کنم، یک قدم که به عقب بروی فرصت را غنیمت می‌شمارد و از غفلت استفاده کرده و تو را از تاریخ محو می‌کند! کینه‌اش را تنها شمشیر دو سری کارساز است، که یک سرش به علم و یک سرش به جهاد عملی است!



محسن سعادت

دانشجوی دکترای باستان‌شناسی
دانشگاه تربیت مدرس

استعمار و باستان‌شناسی



پیدایش پدیده «تاریخ‌گرایی» در غرب مدرن در پیچه‌ای را گشود که ضرورتاً پیدایش باستان‌شناسی را موجب شد. تاریخ‌گرایی در عمل پیوستگی رویدادهای انسانی را در بستر زمان منهدم و واژگون می‌سازد و از گسست‌های تاریخی سخن می‌گوید. تاریخ در تاریخ‌گرایی امری ذهنی است و الزاماً تفسیری که اذهان معاصر از رویدادهای پیشین عرضه می‌دارند. گفته شد که یکی از پیامدهای تاریخ‌گرایی همانا ماده‌گرایی تاریخی است. ماده‌گرایی تاریخی با اندیشه‌ی مارکسیستی، به ویژه توسط انگلیس بسط و گسترش یافت. در این رویکرد، شرایط مادی زندگی و مطالعه‌ی آن‌ها برای دست‌یابی به شناختی متقن در باب انسان تقدم می‌یابند و پیشرفت تعارض‌ها میان طبقات اجتماعی چارچوب اصلی تحلیل رفتارها و زندگی انسانی را تشکیل می‌دهد.

شمالی، افریقا و اقیانوسیه، چه در نگاه روسو و چه مردم‌شناسان قرن نوزدهم، نخستین درجات انسانیت بودند که به دلایل مختلف، از جمله ناتوانی‌ها و ضعف‌های روحی و ذهنی، نتوانسته بودند جریان‌های پیشرفت و تکامل را طی کرده و از این رو «عقب مانده» محسوب می‌شوند.

با این حال رابطه‌ی غرب مدرن با سرزمین‌های دارای تمدن‌های باستانی به گونه‌ای دیگر رقم خورد. هگل سرچشمه‌ی «گایست» خود را یکی از کهن‌ترین تمدن‌های مشرق زمین یعنی چین باستان دانست. از آن‌جا نیز به هند و سپس ایران عصر هخامنشی گام برداشت و با یونان در غرب متمرکز شد. با ورود شرکت‌های تجاری، نظامیان

و رهبران مسیحی به خاورمیانه، به ویژه سرزمین‌های بین‌النهرین، یادمان‌ها و آثار باستانی این مناطق یکی پس از دیگری از زیر خاک به در آمد. مواریت فرهنگی این مناطق به قدری شگفت‌انگیز و به چشم‌غریبان تازه‌وارد چشم‌نواز آمد که ناگزیر در طرح‌های تاریخی جهان «گهواره‌ی تمدن» خویش را در این مناطق طرح‌ریزی کردند. از این رو آباد کردن خاورمیانه برای تازه‌واردان اهمیت بسیاری یافت؛ گهواره‌ی تمدنی که البته بوی نفت هم می‌داد!

به طور کلی در دو روش باستان‌شناسی و مردم‌شناسی قابلیت‌های بی‌شماری برای همدل ساختن اقوام و مردمان مختلف جهان، در عین محترم شمردن تفاوت‌های موجود میان آن‌ها دارند. این دو رویکرد را اگر آن‌گونه که آموزه‌های مقدس الوهی بیان داشته‌اند، برای شناخت و ایجاد همدلی میان مردم جهان به کار بست، جایگاهی برتر در میان دیگر علوم انسانی خواهند داشت؛ زیرا در نهایت ورای تمام تفاوت‌های موجود میان انسان‌ها، پرده از شباهت‌هایی بر می‌دارند که میان سرزمین‌ها و فرهنگ‌های متفاوت و مختلف وجود دارد.

انکار می‌کند. برای پیرو این مکتب، تاریخ بخشی از یک سازه است که در خلأ شکل نمی‌گیرد، که تجسم دوره، زندگی یا اثری خاص است. ماده‌گرایی تاریخی دوره‌های تاریخی را مبتنی بر تداوم مشهود و ملموس آنها و آثار و بقایای برجای مانده از آنها مشخص و متمایز می‌کند. فرهنگ در مکتب ماده‌گرایی تاریخی مادیت می‌یابد. تاریخ فرهنگ نیز از بطن این مکتب برون می‌آید. پژوهش‌گران تاریخ فرهنگ در پی به سطح کشاندن محتویات فرهنگی و حاضر کردن آنها در لباسی مادی و ملموس هستند. تاریخ فرهنگ برای ماده‌گرایی فرهنگی به معنای تاریخ شواهدی است که از رفتارهای فرهنگی انسان‌ها برجای مانده است.

از هنگامی که غربیان با مردمان بومی غیر غربی مواجه شدند، ذهنیات و دیدگاه‌های مختلف و متفاوتی را درباره‌ی آنها پروراندند. ژان ژاک روسو در سیمای آن‌ها «تجابت و وارستگی اصیل انسانی» دیده و «وحشی‌های خوب» نامیدشان. در مقابل، نظریه‌پردازان مردم‌شناسی نوین، چون «تایلر» و «مورگان» آنها را درجات پست‌تر و «عقب مانده» تر انسان دانستند که نتوانسته‌اند چون غربیان فرآیند پیشرفت و تکامل انسانی را طی کرده و هر یک در مرحله‌ای خاص درجا زده‌اند. بومیان سرزمین‌های امریکای

و پادشاهی‌های وابسته به کلیساهای کاتولیک سربرآورده بودند. در آستانه و آغاز قرن نوزدهم دولت‌های ملی نوپا با تأسیس و حمایت از موزه‌ها و گنجینه‌های اشیاء و یادمان‌های باستانی، این مکان‌ها را به ابزارهایی برای گونه‌ای ملت‌گرایی تبدیل کردند که هدف محوری آن ساخت و ایجاد هویت و مشروعیت برای آن دولت‌ها بود.

پیدایش پدیده «تاریخ‌گرایی» در غرب مدرن در پیچه‌ای را گشود که ضرورتاً پیدایش باستان‌شناسی را موجب شد. تاریخ‌گرایی در عمل پیوستگی رویدادهای انسانی را در بستر زمان منهدم و واژگون می‌سازد و از گسست‌های تاریخی سخن می‌گوید. تاریخ در تاریخ‌گرایی امری ذهنی است و الزاماً تفسیری که اذهان معاصر از رویدادهای پیشین عرضه می‌دارند. گفته شد که یکی از پیامدهای تاریخ‌گرایی همانا ماده‌گرایی تاریخی است. ماده‌گرایی تاریخی با اندیشه‌ی مارکسیستی، به ویژه توسط انگلیس بسط و گسترش یافت. در این رویکرد، شرایط مادی زندگی و مطالعه‌ی آن‌ها برای دست‌یابی به شناختی متقن در باب انسان تقدم می‌یابند و پیشرفت تعارض‌ها میان طبقات اجتماعی چارچوب اصلی تحلیل رفتارها و زندگی انسانی را تشکیل می‌دهد. ماده‌گرایی تاریخی وجود عنصر قهرمانی را در تاریخ

رابطه‌ی غرب مدرن با سرزمین‌های دارای تمدن‌های باستانی به گونه‌ای دیگر رقم خورد. هگل سرچشمه‌ی «گایست» خود را یکی از کهن‌ترین تمدن‌های مشرق زمین یعنی چین باستان دانست. از آن‌جا نیز به هند و سپس ایران عصر هخامنشی گام برداشت و با یونان در غرب متمرکز شد. با ورود شرکت‌های تجاری، نظامیان و رهبران مسیحی به خاورمیانه، به ویژه سرزمین‌های بین‌النهرین، یادمان‌ها و آثار باستانی این مناطق یکی پس از دیگری از زیر خاک به در آمد. مواریت فرهنگی این مناطق به قدری شگفت‌انگیز و به چشم‌غریبان تازه‌وارد چشم‌نواز آمد که ناگزیر در طرح‌های تاریخی جهان «گهواره‌ی تمدن» خویش را در این مناطق طرح‌ریزی کردند. از این رو آباد کردن خاورمیانه برای تازه‌واردان اهمیت بسیاری یافت؛ گهواره‌ی تمدنی که البته بوی نفت هم می‌داد!

منابع:

سعید، ادوارد (۱۹۷۱). شرق‌شناسی. ترجمه‌ی لطفعلی خنجی (۱۳۵۱). تهران: امیرکبیر.

عسکرپور، وحید (۱۳۸۱). سیاست باستان‌شناسی؛ از روایت گذشته تا اثربخشی اجتماعی. مجله‌ی باستان‌پژوهی. دوره‌ی جدید، سال دوم، شماره چهار، انتشار خرداد ۱۳۸۱.

ملاصالحی، حکمت‌الله (۱۳۸۱). درآمدی بر معرفت‌شناسی باستان‌شناسی. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.



فروزان نیک نداد

دانشجوی کارشناسی ارشد بیوشیمی
دانشگاه تربیت مدرس

تو خود حدیث عشق مفصل بخوان از این مجمل

خاکی بود باید گشت در بین عکس‌های گلستان شهدای روستاها و شهرهایمان ولی وقتی که توی کوچه‌های شهرمان نه اصلاً توی جمع خانواده با ترس و لرزی عجیب گفتیم و شنیدیم از جنگ نابرابری در جهان باورهای مان که با خشونت بی‌وصف حتی به قبرهای عزیزان مان هم رحم نمی‌کند چندین روز بعد یکی یکی آوردند پیکرهای همان جوان‌هایی که در بین ما بودند و گاهی نیز از جنس اخراجی‌های شهرمان ولی تحصیل ادب نمودند در پیشگاه صاحب آن. آن هم از جنس حسینی‌اش و البته عباس‌وار. این انسان‌ها اگر که برگ‌های زندگی‌شان هم ورق بخورد بی‌تردید نشان عشق به سعادت هم برای خودشان و به طریق اولی برای دیگران چون نگینی بر انگشتر زیبای زندگی‌شان خواهد درخشید.

چه کسانی شایسته‌ی شهادت هستند؟ آنها که شایسته‌ی زندگی هستند، آنها خوب کار می‌کنند، خوب زندگی می‌کنند. اینها بی‌هوا بی‌خودخواهی، بی‌منم زندگی خواهند کرد. به یاد دارم استادی در باب علاقه شدید به شهدا می‌فرمود کسانی که خیلی دوست دارند برای هدایت دیگران تلاش کنند و عشق به سعادت آدم‌ها داشته باشند بجای اینکه بمیرند شهید می‌شوند. این شهادت آنها را صاحب قدرتی جاودانه و تأثیری گسترده برای کمک به انسان‌ها برای رسیدن به سعادت خواهد کرد. مدت‌ها بود فکر می‌کردم که باید برای دیدن شهدا آنان که واصل به حقیقت، رهرو سرور شهیدان جان سپردند با معنویتی فوق تصور ساده و بی‌ریا و جشن انار باران‌شان گاهی به وسعت یک سنگر

از تمام حریم‌ها دفاع می‌کنند. همه‌ی اهل دنیا ناموس‌شان هستند وقتی که غیر چشم بی‌حیایی دارد و دست، دست درازی. اینها همه حاصل محبت بی‌دریغشان به صاحب محبت عالم است اگر انسان آن محبت قوی و شدید را در قلبش داشته باشد، محبت‌های بدش را بیرون می‌کند و خیلی چیزها از چشمش خواهد افتاد. بعد محبت‌های خوب دنیایی را هم تقویت می‌کند. اصلاً تازه آماده می‌شود برای زندگی و البته همان قدر که آماده می‌شود برای زندگی، همان قدر آماده می‌شود برای مرگ. شما فکر نکنید شهادت‌طلب‌ها آدم‌های ورشکسته‌ای هستند که چون به جایی که می‌خواستند نرسیدند می‌گویند دیگر دنیا به درد ما نمی‌خورد، طبیعتاً این جور آدم‌ها اصلاً شهید نمی‌شوند. باید بدانیم

در باب ادب آمده انسان‌های کامل و مودب به آداب الهی کسانی هستند که در جمیع ابعاد وجودیشان مرزهای الهی را حفظ می‌کنند و عقل، قلب، نفس، خیال و تمام اعضا و جوارحشان روش رفتاری صحیح الهی پیدا کرده است. اینها هنگامی که درون را اصلاح می‌کنند بیرونشان هم اصلاح می‌شود زیرا ظاهر انسان نمودار درون اوست. در راه تادیب نفس بی‌تردید باید شاگردی کنیم در محضر نفس‌های به حقیقت رسیده آنان که در راه رضایت معشوق هستی خود را بخشیدند و خداوند نیز از آنان راضی شد آنان که وقتی تیر به مشک آبرویشان می‌خورد می‌ایستند... آبرویی که حاصل ادب بی‌نهایت‌شان در پیشگاه خداوند است. علمداران عباس صفتی که در بین نخلستان‌های دنیا

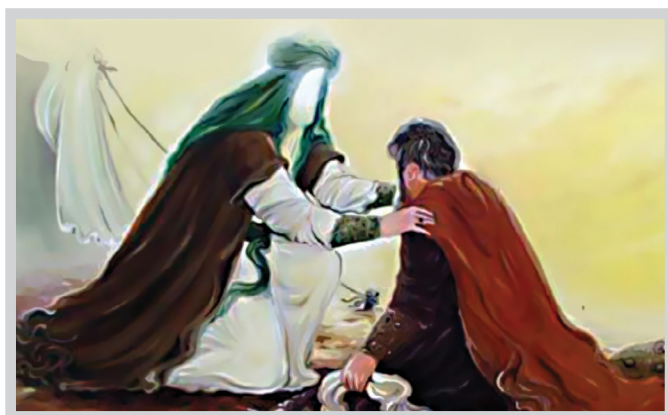
و شما فکر نکنید شهادت‌طلب‌ها آدم‌های ورشکسته‌ای هستند که چون به جایی که می‌خواستند نرسیدند می‌گویند دیگر دنیا به درد ما نمی‌خورد، طبیعتاً این جور آدم‌ها اصلاً شهید نمی‌شوند. باید بدانیم چه کسانی شایسته‌ی شهادت هستند؟ آنها که شایسته‌ی زندگی هستند، آنها خوب کار می‌کنند، آنها خوب زندگی می‌کنند. اینها بی‌هوا بی‌خودخواهی، بی‌منم زندگی خواهند کرد. به یاد دارم استادی در باب علاقه شدید به شهدا می‌فرمود کسانی که خیلی دوست دارند برای هدایت دیگران تلاش کنند و عشق به سعادت آدم‌ها داشته باشند بجای اینکه بمیرند شهید می‌شوند. این شهادت آنها را صاحب قدرتی جاودانه و تأثیری گسترده برای کمک به انسان‌ها برای رسیدن به سعادت خواهد کرد.

خُرکن ما را...



رعنا امیری

دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر
دانشگاه تربیت مدرس



جنس ناب این خاندان از اوجب واجبات است، یادآور شویم برای خودمان ارزش‌ها را ... آنهایی که در این بازار نان خوردن به نرخ روز، خر می‌کند ما را ... آنهایی که امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: «اگر از عمرت تنها دو روز باقی است یک روز را برای ادب خود (کسب سجایای اخلاقی) اختصاص ده تا برای روز مرگ از آن روز کمک بگیری» همان ظهر روز دهمی که خر کرد خر را ...

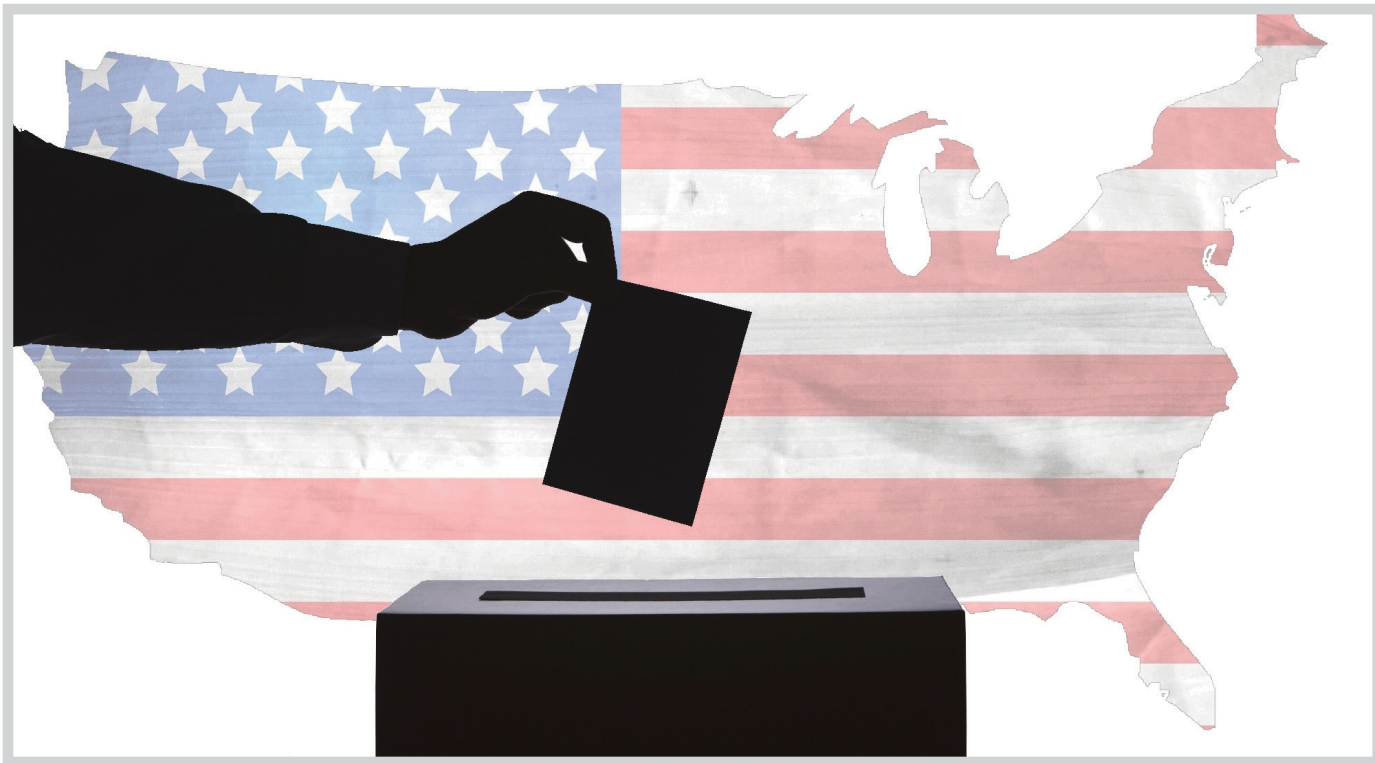
(پی نوشت)

۱. تمیم: قبیل‌های که در زمان جاهلیت و اسلام از بزرگان بودند.

و چقدر آهسته سخن‌شان تلنگر می‌زند بر تمام غرور شیشه ایمان، آنجا که آزاد مردی مردی از تبار کوفیان را به رخ‌مان می‌کشاند. خر کسی که تمام نه، ولی بخش زیادی از آتش دلمان از آن ماجرا را، برای فرمان‌پذیری از مافوقش هیزم ریخته است و شد آنچه نباید می‌شد... اما چگونه راه‌هایی را یافت در آن صحرای محشر؟ جوابش همان ارزش‌های رنگ باخته‌ی این روزهای ماست! ادب و احترام از او آزاد مردی جاودانه ساخت. آزاد مردی دنیایی و آخرتی آنجا که پس از آن توبه‌ی تاریخ‌سازش، مولای ما در وصفش می‌فرمایند: «تو خر هستی همان گونه که مادرت تو را نام نهاد. تو ان شاءالله در دنیا و آخرت خر هستی.»

می‌فرمایند: «اگر دین نداری لاقول در دنیا آزاد مرد باشی» چقدر آهسته سخن‌شان تلنگر می‌زند بر تمام غرور شیشه ایمان، آنجا که آزاد مردی مردی از تبار کوفیان را به رخ‌مان می‌کشاند. خر کسی که تمام نه، ولی بخش زیادی از آتش دلمان از آن ماجرا را، برای فرمان‌پذیری از مافوقش هیزم ریخته است و شد آنچه نباید می‌شد... اما چگونه راه‌هایی را یافت در آن صحرای محشر؟ جوابش همان ارزش‌های رنگ باخته‌ی این روزهای ماست! ادب و احترام از او آزاد مردی جاودانه ساخت. آزاد مردی دنیایی و آخرتی آنجا که پس از آن توبه‌ی تاریخ‌سازش، مولای ما در وصفش می‌فرمایند: «تو خر هستی همان گونه که مادرت تو را نام نهاد. تو ان شاءالله در دنیا و آخرت خر هستی» قوی مردی شجاع از قبیل‌های تمیم وقتی در برابر آقایی قرار

در گیر و دار این روزها، بین‌مان ارزش‌هایی رنگ می‌یازند، آهسته و آرام... نه من می‌فهمم نه تو ... می‌دانی؟ گمان می‌کنم چون برای مان نفعی ندارد ترجیح‌مان این است که نباشد! مگر نه اینکه باید نان را به نرخ روز خورد؟ تا به حال شده برایت پیش‌باید بتوانی سودی ببری از داستانی اما نخواهی؟ دلت صاف نمی‌شود با این سود بادآورده... فکر که می‌کنی، می‌بینی کمی پاروی دلت گذاشته بودی مثل آب خوردنی تمام بود اما همین دو کلمه گاهی چقدر قفل به پاهایت می‌بندد... در حال و هوای این روزهای مهر، مه‌ری آن هم از دسته‌ی قدیم الاحسان، دلمان را که می‌لرزاند، پاهایمان که در بند بندگی اسیر شاه کلید دلمان (حسین (علیه السلام)) می‌شود... ملاموس است آن سخن‌سرورمان که



وو دو نامزد انتخابات، فرد مقابل یا همسرش را به تجاوز و اعمال شنیع جنسی متهم می کنند و البته هیچ کدام پاسخ قانع کننده ای برای آن ارائه نمی دهند. برای فمینیست های مقلد در سراسر جهان که مقصد آمل شان آمریکاست، هضم پایمال شدن حقوق اولیه زنان توسط نامزدهای ریاست جمهوری بسیار مشکل است. بسیاری در این خصوص تنها ترامپ را گناهکار می دانند. در حالی که کلینتون رئیس جمهور پیشین آمریکا و همسر هیلاری ید طولایی در این قضیه دارد. همچنین هر دو کاندیدا، بنیادهایی برای فعالیت های اقتصادی یا خیریه تأسیس کرده اند که در معرکه مناظره مشخص می شود؛ کانالی برای سوءاستفاده مالی از قدرت سیاسی بوده اند و همیشه نیز در حال فرار از مالیات! اما آنچه برای ما ایرانیان مهم است، مباحث داغ این دو درباره ی بحران سیاسی و نظامی موجود در خاورمیانه است. «



روشننگار

هادی طلوعی

دانشجوی دکترای علوم سیاسی
دانشگاه تربیت مدرس

همه یا هیچ؟

داعش هستند. نکته جالب اینکه کلینتون در کتاب خاطراتش به این موضوع اعتراف کرده بود. هیلاری در این کتاب می گوید: «قرار بود دولت اسلامی (داعش) بر اساس توافق آمریکا و اخوان المسلمین مصر تشکیل شود. ما می خواستیم، در روز پنجم ژوئیه سال ۲۰۱۳ در نشستی با دوستان اروپایی خود دولت اسلامی را به رسمیت بشناسیم. من به ۱۱۲ کشور سفر کردم تا نقش آمریکا و توافق با بعضی از دوستان را درباره به رسمیت شناختن دولت اسلامی بلافاصله پس از تشکیل آن، توضیح دهم. پس از آن به سراغ کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس می رفتیم. در پی آن، تقسیمات منطقه عربی و مغرب عربی به طور کامل تغییر می کرد و ما تسلط کامل بر منابع نفتی و گذرگاه های دریایی پیدا می کردیم؛ اما به یکباره همه چیز در برابر

فمینیست های مقلد در سراسر جهان که مقصد آمل شان آمریکاست، هضم پایمال شدن حقوق اولیه زنان توسط نامزدهای ریاست جمهوری بسیار مشکل است. بسیاری در این خصوص تنها ترامپ را گناهکار می دانند. در حالی که کلینتون رئیس جمهور پیشین آمریکا و همسر هیلاری ید طولایی در این قضیه دارد. همچنین هر دو کاندیدا، بنیادهایی برای فعالیت های اقتصادی یا خیریه تأسیس کرده اند که در معرکه مناظره مشخص می شود؛ کانالی برای سوءاستفاده مالی از قدرت سیاسی بوده اند و همیشه نیز در حال فرار از مالیات! اما آنچه برای ما ایرانیان مهم است، مباحث داغ این دو درباره ی بحران سیاسی و نظامی موجود در خاورمیانه است. ترامپ چند ماه پیش مدعی شده بود که اوپاما و کلینتون مسبب به وجود آمدن

بی بی سی فارسی در گزارشی که از مناظرات نامزدهای ریاست جمهوری در آمریکا منتشر کرده است، با استناد به پیش بینی های انتخاباتی در گذشته، تأثیر این برنامه های تلویزیونی را بر روی مردم آمریکا ناچیز و هیچ معرفی می کند. به ادعای این سایت در دوره های پیشین انتخابات، تنها در مواردی که دو نامزد اصلی فاصله معنی داری از هم نداشتند، مناظره ها تأثیر گذار بودند. این گزارش سعی در اثبات جلوه دادن نظام سیاسی آمریکا و گرایش سنتی مردم به احزاب دموکرات یا جمهوری خواه دارد. حال آنکه این مناظرات برای اغلب مردم جهان پیام های دیگری دارد. دو نامزد انتخابات، فرد مقابل یا همسرش را به تجاوز و اعمال شنیع جنسی متهم می کنند و البته هیچ کدام پاسخ قانع کننده ای برای آن ارائه نمی دهند. برای

چشمان مان فروریخت». در این مناظره، دو رقیب شیوه های رویارویی با داعش را نقد می کردند. در این میان، ترامپ راهبرد روسیه در مبارزه با داعش را موفقیت آمیز ارزیابی کرد. او به نوعی استراتژی آمریکا برای مبارزه با تروریسم را از سال ۲۰۰۱ شکست خورده می دانست. در حالی که تا پیش از این، هر دو حزب اصلی آمریکا در مبارزه با تروریسم و مقابله با روسیه اتفاق نظر داشتند و اختلاف شان تنها به روش های عملیاتی بازمی گشت؛ اما ترامپ چنین وحدت نظری را به هم زد. جنجالی ترین بخش مناظرات ریاست جمهوری، اظهارات ترامپ درباره ی ساختارهای بسته سیاسی در آمریکا، احتمال تقلب در انتخابات و فساد سیاستمداران این کشور بود. گفتنی است، اکثریت رسانه های آمریکایی از سال گذشته در جبهه واحدی علیه ترامپ عمل کرده اند. دلیل این موضع یکسان، شاید حقانیت سخنان ترامپ باشد که بخشی از اسرار مگسوی راهروهای کاخ سفید را لو می دهد. ما حتی در مدیریت مجری مناظره نیز جانب داری از کلینتون را مشاهده می کنیم. مطابق ادبیات این رسانه ها و سیاستمداران دموکرات و بعضاً

جمهوری خواه ترامپ فردی عوام فریب و هوچی گر است و حملات لفظی او بیشتر در جهت تخریب رقیب و کسب رأی صورت می گیرد. بر این اساس ترامپ فردی دیوانه نمایش داده می شود که در صورت پیروزی، حیثیت و افتخار حکومت آمریکا را بر باد می دهد. اما اگر به گفته های دیگر نامزدهای انتخابات آمریکا از جمله برنی سندرز نگاهی بیفکنیم، سخنان ترامپ تا حدی موجه می گردد. هر دو این نامزدها، سخنانی انتقادی را درباره ی جامعه سیاسی آمریکا با زبان و اهدافی متفاوت بیان می کردند که رؤیای زندگی آمریکایی را زیر سؤال می برد. علاوه بر این، حتی صحبت از تقلب در انتخابات بزرگترین کشور به اصطلاح مدافع دموکراسی و آزادی در جهان بسیار غیرمنتظره و البته عبرت انگیز است. نشریه اکونومیست در شمارگان پیشین، پیروزی ترامپ را تراژدی آمریکا و موجب از دست رفتن اعتبار چند صدساله جمهوری خواهان اعلام کرده بود. اما به نظر می رسد، این مناظرات و افشاکاری های متقابل کاندیداها، ماهیت واقعی نظام سیاسی آمریکا را نشان می دهد و موجب کاهش اعتماد مردم جهان نسبت به الگوی حکومتی این کشور می گردد.



وو جنجالی ترین بخش مناظرات ریاست جمهوری، اظهارات ترامپ درباره ی ساختارهای بسته سیاسی در آمریکا، احتمال تقلب در انتخابات و فساد سیاستمداران این کشور بود. گفتنی است، اکثریت رسانه های آمریکایی از سال گذشته در جبهه واحدی علیه ترامپ عمل کرده اند. دلیل این موضع یکسان، شاید حقانیت سخنان ترامپ باشد که بخشی از اسرار مگسوی راهروهای کاخ سفید را لو می دهد. ما حتی در مدیریت مجری مناظره نیز جانب داری از کلینتون را مشاهده می کنیم. مطابق ادبیات این رسانه ها و سیاستمداران دموکرات و بعضاً جمهوری خواه ترامپ فردی عوام فریب و هوچی گر است و حملات لفظی او بیشتر در جهت تخریب رقیب و کسب رأی صورت می گیرد. «



دانشگاه حسینی باید انسان‌هایی با تعالی روح تربیت نماید



مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در نشست شورای دانشگاه، بر لزوم تفکر در عظمت حماسه عاشورا و پرورش انسان‌هایی با تعالی روح در دانشگاه‌ها تأکید کرد. در ابتدای این نشست حجت الاسلام فلاح رفیع مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه در سخنانی ضمن تسلیت ایام سوگواری سرور و سالار شهیدان، امام حسین(علیه السلام) اظهار داشت: فرهنگ عزاداری برای سیدالشهدا(علیه السلام) را ائمه اطهار

پایه‌گذاری کردند و به ویژه امامانی که از نظر سیاسی و اجتماعی فضای بازتری برای آنان مهیا بود در ایام محرم به سوگواری و عزاداری می‌پرداختند. وی خاطر نشان کرد: در باطن حزن و اندوه و گریه برای امام حسین(علیه السلام) یک بهجت و نشاط خاصی نهفته است و این حزن‌ها فلسفه زیادی دارد و آنچه در کنار این سوگواری‌ها باید به آن توجه کرد، تامل و تفکر راجع به عظمت این حماسه بزرگ است. وی افزود: عزاداری و سوگواری در مرحله

اول بسیار حائز اهمیت است و روایات بسیاری در خصوص اهمیت گریه برای امام حسین(علیه السلام) و خاندان پاک ایشان وجود دارد اما در مرحله دوم ما باید در مورد این قضیه فکر کنیم که ظرفیت یک انسان چه قدر می‌تواند بزرگ و عظیم باشد و امام حسین(علیه السلام) تا آخرین لحظه عمر خود به فکر هدایت دشمنان خود بود و تمام هستی خود را در راه هدایت انسان‌ها فدا کرد. وی تصریح کرد: خروجی دانشگاه حسینی باید انسان‌هایی با تعالی روح، بزرگمنش و با مناعت باشد. ما باید دانشگاهی داشته باشیم که اینگونه افراد و انسان‌هایی با تعالی روح را پرورش دهد. امام حسین (علیه السلام) شهید شد تا انسان‌ها تعالی روح پیدا کنند و خود را به پستی و حقارت نکشند.

دانشجوی گرامی جناب آقای عباس موسی پور احمدی با سلام و تحیت

خبری مسرت بخش تر از خبر شکفتن غنچه‌های دانش در باغ دانایی گوش اهل معرفت رانوازش نمی‌کند. به پاس آن شکفتن و این خبر مسرت‌بخش، دست به قلم شدیم تا ضمن تبریک این موفقیت، سرفرازی روزافزون شما را در تمامی مراحل زندگی از درگاه ایزد متعال خواستار باشیم. هر روزتان درخشنده تر از دیروز

دکتر علی فلاح رفیع

مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس

درخشش دانشجوی دانشگاه در جشنواره بین‌المللی دانشجویان برتر



عباس موسی پوراحمدی دانشجوی دکترای بیوشیمی بالینی دانشگاه، به عنوان دانشجوی برگزیده در مقطع دکترای تخصصی در اولین

جشنواره بین‌المللی انتخاب دانشجویان برتر در حوزه علوم پایه و بالین پزشکی انتخاب شد. گفتنی است اولین جشنواره بین‌المللی انتخاب دانشجویان برتر در حوزه علوم پایه و بالین پزشکی با معرفی دانشجویان برتر این حوزه در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری عمومی، دندانپزشکی، داروسازی، دکتری تخصصی و بالین و اهداء لوح تقدیر و تندیس جشنواره به کار خود پایان داد.

کسی جز دانشگاهیان برای اصلاح امور کشور نمی‌تواند کوشا باشد

نشست هم‌اندیشی استادان با سخنرانی دکتر علی آقا محمدی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و عضو هیأت علمی دانشگاه، پیرامون نقش و جایگاه دانشگاه در اقتصاد مقاومتی، در سالن شورا برگزار شد.



دکتر آقا محمدی از نیروی انسانی تحصیلکرده به عنوان یکی از ویژگی‌های اقتصاد ایران نام برد و گفت: اقتصاد ایران دارای ۵ یا ۶ ویژگی است که داشتن نیروی انسانی تحصیلکرده یکی از ویژگی‌های مهم و حائز اهمیت است که آن طور که باید مورد استفاده درست قرار نمی‌گیرد و با وجود سرمایه‌گذاری‌هایی که در این حوزه انجام می‌شود میزان رضایت‌مندی بسیار کم است. دکتر آقا محمدی تأکید کرد: کسی جز دانشگاهیان برای اصلاح امور کشور نمی‌تواند راهگشا باشد. باید از ظرفیت دانشگاه‌ها در جهت تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی استفاده کرد. یکی از موثرترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی مدیریت دانش بنیان است. در ادامه این نشست، اساتیدی از پژوهشکده فناوری اطلاعات و ارتباطات دانشگاه صنعتی شریف و گروه علوم مدیریتی و منابع انسانی دانشگاه به بیان تجربیات خود در حوزه ایجاد شرکت‌های دانش بنیان و انجام پروژه‌های کلان ملی و همچنین به بیان الگوهای موفق خود در زمینه ورود مجموعه‌های بزرگ از دانشجویان به چرخه خدمات پرداختند.

حرکت دسته‌عزاداری دانشگاه در سوگ حضرت ابا عبد... الحسین (علیه السلام)

از طی مسیر ذکرشده سرانجام در فضایی سرشار از معنویت و حال و هوای حسینی در جلوی مسجد به نوحه خوانی و سینه زنی پرداختند، پایان‌بخش این حرکت عاشورایی و معنوی اقامه نماز جماعت و پذیرایی بر سر سفره ابا عبدالله الحسین(علیه السلام) بود.

دسته‌های سینه زنی از در شمالی دانشگاه خارج شده و پس از طی خیابان‌های جلال آل احمد و کوچه شهریور از در جنوب وارد دانشگاه شدند. لازم به ذکر است در مسیر حرکت، عزاداران توسط نذرکنندگان اعم از دانشگاهی و غیردانشگاهی پذیرایی می‌شدند. عزاداران پس

مراسم سوگواری و سینه زنی سالار شهیدان حضرت ابا عبد... الحسین(علیه السلام)، با حضور هیات رئیسه و مسئولان، اعضای هیات علمی، کارکنان و دانشجویان دانشگاه، مصادف با هفتم ماه محرم، از مقابل مسجد دانشگاه آغاز شد. دسته‌عزاداری دانشگاهیان در قالب



محقق برگزیده کشور در تحقق اقتصاد دانش بنیان



«نشریه چشمه کسب این موفقیت را به دکتر عباس یداللهی تبریک عرض نموده و توفیقات روز افزون را برای ایشان از خداوند منان مسئلت داریم.»

است فاز دوم شرکت دانش بنیان نهال گستر رویان (متعلق به دکتر یداللهی) آبان ماه با حضور دکتر جهانگیری معاون رییس جمهور به صورت ویدئو کنفرانس سراسری کشوری، استاندار قزوین، معاون توسعه روستایی ریاست جمهوری و دیگر مسئولان استان قزوین افتتاح می‌شود. شرکت نهال گستر رویان (دانش بنیان) در سال ۱۳۸۸ و با همکاری کادر علمی (هیات علمی دانشگاه، کارشناسان با تجربه و نیروهای متخصص) تاسیس و از سال ۱۳۹۰ با تجهیز امکانات اقدام به فعالیت‌های علمی و اقتصادی در زمینه کشاورزی به ویژه تولید نهال نموده است.

علوم باغبانی - هورمون های گیاهی از دانشگاه تربیت مدرس و دکتری (Ph.D) باغبانی بیوتکنولوژی و اصلاح درختان میوه از دانشگاه تربیت مدرس می باشد. وی هم اکنون به عنوان عضو هیات علمی گروه باغبانی دانشکده کشاورزی مشغول به فعالیت می باشد. تالیف چندین جلد کتاب و چاپ مقالات متعدد علمی و پژوهشی در مجلات معتبر داخلی و خارجی و مجامع علمی از جمله فعالیت‌های پژوهشی این عضو هیات علمی دانشگاه می باشد. گفتنی

عشایر در تولید ملی و معرفی دستاوردها و فعالیت‌های انجام شده توسط دستگاه ها و سازمان های کشور در مناطق روستایی و عشایری برگزار می شود و تا روز دوم آبان ادامه خواهد داشت. در این مراسم از دکتر عباس یداللهی عضو هیات علمی دانشکده کشاورزی به عنوان محقق برگزیده کشور در تحقق اقتصاد دانش بنیان تقدیر شد. دکتر یداللهی دارای مدرک کارشناسی پیوسته مهندسی کشاورزی از دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد مهندسی کشاورزی،

مراسم افتتاحیه سومین همایش ملی روز روستا و عشایر با رویکرد تبیین نقش روستاییان و عشایر در تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی با سخنرانی دکتر حسن روحانی رئیس جمهور و با حضور جمعی از معاونان رئیس جمهور، وزرا و ۱۲۰۰ نفر از منتخبان روستایی و عشایری، مسئولان، مدیران و کارشناسان بخش دولتی و خصوصی در سالن اجلاس سران برگزار شد. این همایش دو روزه با هدف بزرگداشت روز ملی روستا، تجلیل از نقش روستاییان و

بسیج دانشجویی دانشگاه در نامه‌ای به دکتر روحانی تأکید کرد:

شما را چه شده است که دفاع از مظلوم را نایده می‌گیرید؟

سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران دفاع از مظلوم در برابر ظالم و حفظ شرافت و استقلال جوامع اسلامی است ولی شما را چه شده است که به جای اجرای آن، در مواردی حتی آن را نادیده گرفته‌اید؟ به چه فکر کردید که پذیرایی قطعنامه‌ای تحت عنوان «نقشه راه عادی سازی روابط اتحادیه اروپا با ایران پس از برجام» شده‌اید. قطعنامه‌ای که در یکی از بندهای آن قانون اساسی ایران به

موضوع‌گیری سریع الوقوع جنابعالی و دستگاه دیپلماسی دولت محترم دربارهی حملات تروریستی کشور فرانسه یا کودتای نافرجام کشور ترکیه، این بار نیز به سرعت این حوادث تلخ را محکوم کرده و علیه آنها موضع‌گیری می‌نماید. ولی زهی خیال باطل؟! گویی خون مردم فرانسه و ترکیه رنگین تر از خون مسلمانان بی‌گناهی است که بازچه دست طمع قدرت کشورهای غربی و دست نشانده‌هایشان شده‌اند.

عزادار روز عاشورا، شهادت جمعی از شیعیان افغانستانی در مراسم عزاداری شب‌های محرم دل بسیاری از مسلمانان را به درد آورده که تداوم‌کننده مظلومیت شیعه در محرم سال ۶۱ بود. با وجود این همه خشونت و هجمه، موضع‌گیری‌های دیرهنگام دولت و بعضاً نادیده‌گرفتن بخشی از این هجمه‌ها توسط دولت باعث رنجش خاطر بخشی از جامعه مذهبی و متدین شد. تصور بر این بود که به مانند

بسیج دانشجویی دانشگاه تربیت مدرس در نامه‌ای به رئیس جمهور نسبت به عملکرد دولت در حوزه سیاست خارجه در قبال کشتار مسلمانان یمن و نیجریه و افغانستان انتقاد کرد. در بخشی از این نامه آمده است: در دهه‌ی اول محرم سال جاری شاهد خشونت‌های زیادی علیه شیعیان جهان بودیم. عزاداری‌ها و آیین‌های مذهبی شیعیان با هجمه‌های گوناگونی روبرو شدند. حمله وحشیانه اخیر آل سعود ملعون به مردم بی‌دفاع یمن که قطعاً کربلای دیگری را برپا کرد، هجوم دولت مستبد نیجریه به شیعیان

عنوان یک دولت اسلامی، مغایر با حقوق بشر و دموکراسی معرفی شده است؟ جناب آقای دکتر روحانی، انتظار ما از شما به عنوان رئیس جمهور یک کشور اسلامی که برای حفظ آرمان‌هایش، جوانان زیادی را تقدیم نمود، این است که حداقل اقدام مناسب را در قبال سلطه‌گران غرب انجام داده و پیگیر حقوق مسلمانان بی‌گناه از سازمان ملل و کمیته حقوق بشر آن باشید. و بدانید و آگاه باشید که ملت ایران از قدیم تا به امروز براءت خود را از ظالمان نشان داده و می‌دهد و ساکت نخواهد ماند.



صاحب امتیاز: دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تربیت مدرس
مدیر مسئول: حجت الاسلام دکتر علی فلاح رفیع
سردبیر: مرتضی فاضلی
دبیر: تحریریه: سیامک شادکام
مدیر اجرایی و ویراستار: سوده شجاعی
گرافیکست و صفحه‌آرا: سعید خیراله
مجرى طرح: موسسه فرهنگی هنری کیمیا مهر معرفت

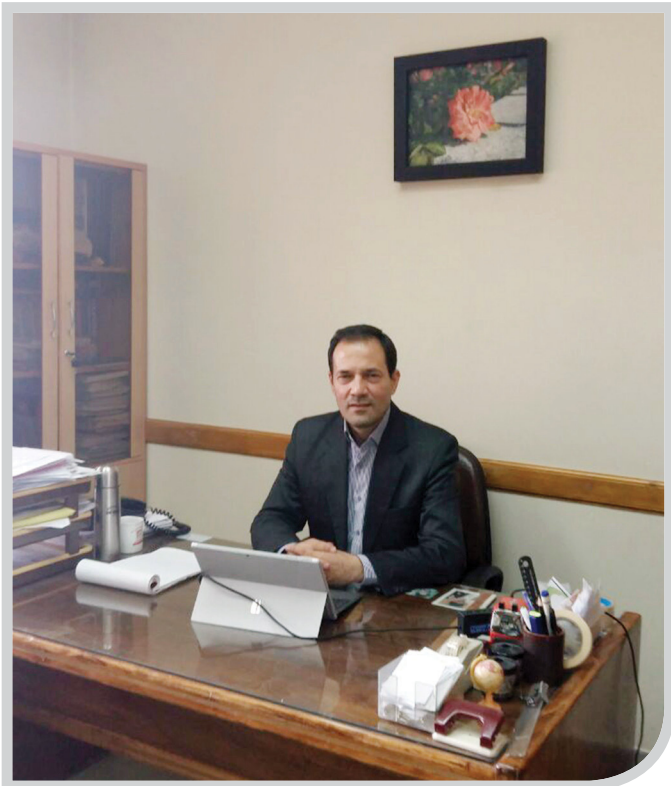
با تشکر از روابط عمومی دانشگاه

مطالب مندرج در نشریه، فقط بیانگر دیدگاه‌های نویسندگان است.
چشمه در چکیده سازی و ویرایش مطالب، آزاد است.
استفاده از مطالب نشریه، با یاد منبع، مانعی ندارد.



دکتر یعقوب فتحی پور در گفتگو با چشمه :

فرهنگ مراجعه به دانشگاه در کشور ما ضعیف است



با استناد به داده‌های منتشر شده در پایگاه طلایه‌داران علم جهان (ISE) تاسون رویترز در ماه سپتامبر ۲۰۱۶، دکتر یعقوب فتحی پور استاد پایه‌ی ۲۷ گروه حشره‌شناسی دانشکده کشاورزی دانشگاه در زمره یک درصد برتر دانشمندان جهان قرار گرفت. پایگاه استنادی طلایه‌داران علم تاسون رویترز بر اساس فعالیت علمی ده سال اخیر پژوهشگران، به ارائه‌ی فهرستی از دانشمندان و نخبگان علمی برتر جهان می‌پردازد و هر دو ماه یکبار این اطلاعات به روز می‌شود. معیار انتخاب دانشمندان برتر، تعداد استنادهای صورت گرفته به تولیدات علمی آن‌ها می‌باشد. این موفقیت ما را بر آن داشت تا گفتگویی با دکتر فتحی پور داشته باشیم. آنچه که در ادامه می‌آید متن این گفتگوست.

نهایت استفاده را در جهت پیشبرد اهداف متعالی کرد؟

ثروت هنوز به خوبی هموار نشده است این ارتباط در یک طرف قوی‌تر است. به نظر من در کشور ما پویایی علمی وابستگی زیادی به پویایی اقتصاد دارد و از آنجا که شریان اقتصاد در دست دولت است و بودجه اصلی دانشگاه‌های دولتی نیز توسط دولت تامین می‌شود، پس می‌توان نتیجه گرفت که پویایی علمی دانشگاه‌ها تا حد زیادی به توان اقتصادی دولت وابسته است البته از منظر بودجه. چون ما برای پژوهش نیاز به بودجه کافی داریم و همانطور که عرض کردم این بودجه‌ها در دانشگاه‌های دولتی عمدتاً توسط دولت تامین می‌شود و کمتر بخش خصوصی در این زمینه نقش دارد. کاهش وابستگی به بودجه‌های دولتی و افزایش در آمد دانشگاه‌ها از سایر منابع از قبیل شرکت‌های وابسته به دانشگاه، فروش خدمات دانشگاهی و بخش خصوصی از راهکارهای افزایش پویایی علمی در دانشگاه هاست. در صورت تامین بودجه کافی برای انجام پژوهش‌های با کیفیت بالا و کاربردی که منجر به حل مشکل و یا تولید ثروت شود، وجود اعضای هیئت علمی با توان علمی بالا و دانشجویان با ظرفیت و انگیزه بالا برای افزایش پویایی علمی در دانشگاه ضروری است. در نتیجه باید دانشگاه‌ها در



گفتگو از مژگان هاشمی

دانشجوی دکتری دانشگاه تربیت مدرس

آقای دکتر چه کسانی در موفقیت اخیرتان سهیم بودند؟

قطعاً کمترین سهم را خود من داشتم به این خاطر که برای انجام یک پژوهش خوب و موفق در کنار انگیزه‌ی بالا، فضای آرام و امکانات کافی و همکاران پر تلاش نیاز هست. شخصاً اعتقاد دارم که نیت افراد در میزان انگیزه و تلاش آن‌ها در انجام امور محوله نقش اساسی دارد و از آنجا که بنده همیشه نیتم کسب رضایت خداوند و خدمت صادقانه به کشورم بوده و هست لذا این انگیزه بالایی که از آن صحبت کردم در من وجود دارد. اعتقاد دارم دعای خیر پدر و مادر و رضایت همسر و فرزندان در ایجاد چنین فضای آرام نقش اساسی دارد. اعضای خانواده یک عضو هیئت با تحمل سختی‌ها و کنار آمدن با مشکلات کاری آن‌ها نقش بسیار مهمی در موفقیت آن‌ها دارند و معتقدم که اساتید دانشگاه تربیت مدرس که جزو فعال‌ترین اساتید کشور هستند بخش قابل توجهی از وقتشان که باید برای خانواده‌شان صرف کنند صرف دانشگاه و دانشجویان این دانشگاه می‌کنند. مسئولین محترم دانشگاه نیز نقش بسزایی در این موفقیت داشته‌اند. اعتقاد دارم که امکانات پژوهشی گروه حشره‌شناسی دانشکده کشاورزی دانشگاه بی‌نظیر یا حداقل کم نظیر است و همین باعث می‌شود که پژوهش‌های با کیفیت بالا و در سطح جهانی در این گروه انجام شود و این امر باعث شده است که اعضای هیئت علمی این گروه افتخارات متعددی را کسب کنند. دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری همکاران پژوهشی من هستند و بسیاری از مقالات منتشره توسط بنده برگرفته از نتایج پایان نامه‌ها و رساله‌های دانشجویانی است که با تلاش شبانه روزی توانسته‌اند با انجام پژوهش‌های چشمگیر، مقالاتی را منتشر کنند که در سطح بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته و با به کارگیری آن‌ها توسط سایر دانشمندان، مورد استناد قرار گیرند.

چگونه می‌توان از دوران دانشجویی

جذب اعضای هیئت علمی و همچنین پذیرش دانشجویان نهایت دقت را انجام داده و از فیلترهای مناسب استفاده کنند. استاد و دانشجو دو محور اصلی در دانشگاه هستند که ضعف در هر کدام از آن‌ها، توان دیگری را به شدت کاهش خواهد داد و منجر به رکود علمی خواهد شد. افزایش دانشجویان و باز کردن درهای دانشگاه‌ها برای جذب تعداد زیادی از جوانان جویای کار در قالب دانشجو از یک طرف و بودجه و امکانات محدود دانشگاه‌ها از طرفی دیگر مشکلاتی بودند که گریبان‌گیر بسیاری از دانشگاه‌ها شد و پویایی علمی آن‌ها تحت تأثیر قرار داد و حتی این مشکل تا آنجا پیش رفت که بسیاری از دانشگاه‌ها بودجه کافی برای برگزاری عملیات دروس ارائه شده را نداشتند. بسیاری از دانشگاه‌های دولتی سعی کردند از این افزایش ظرفیت در پذیرش دانشجو در راستای افزایش توان مالی دانشگاه خود استفاده کنند و به همین خاطر دوره‌های شبانه، تکمیل ظرفیت و پردیس را راه‌اندازی کردند که دانشجویان ورودی از این مسیرها ملزم به پرداخت شهریه بودند ولی لزوماً نیازی نبود که از لحاظ علمی هم سطح دانشجویانی باشند که از مسیرهای مرسوم وارد دانشگاه شده بودند. به نظر من افزایش تعداد زیاد دانشجو در یک دانشگاه و حتی افزایش درآمد دانشگاه از طریق افزایش تعداد دانشجو نمی‌تواند معیار خوبی برای موفقیت یک دانشگاه محسوب شود چون ورود دانشجویان با توان علمی پایین و با انگیزه‌های ضعیف استانداردهای دانشگاه را پایین آورده و به پویایی علمی در دانشگاه ضربه می‌زند.

به نظر شما دانشگاه چه تأثیری در حل مسائل و مشکلات جامعه دارد؟

من فکر می‌کنم در کشور ما دانشگاه‌ها و به ویژه دانشگاه تربیت مدرس پتانسیل و توان بسیار بالایی در حل مشکلات جامعه دارند ولی باید با استفاده از ابزارهای

اتلاف وقت یکی از آفات مهم دوره‌ی دانشجویی است که ممکن است دانشجویان به این آفت مبتلا شوند. انگیزه پایین در ادامه تحصیل، منفی نگری در زندگی و عدم اعتماد به آینده از جمله اموری هستند که احتمال مبتلا شدن دانشجویان به این آفت را افزایش می‌دهد. معمولاً دانشجویان من یک ویژگی مهم را از من به یادگار می‌برند و آن استفاده بهینه از وقت است و هیچ وقت معلمشان را در حال اتلاف وقت ندیده‌اند. من از دانشجویان خواسته‌ام که اگر پشت دفتر کار من و یا هر همکار دیگری منتظر ملاقات هستند نباید بیکار بمانند و حتماً باید مشغول مطالعه و انجام کاری باشند زیرا بیکار دیدن آن‌ها و قدم زدن بی‌هدف در راهروی دانشکده مرا آزار می‌دهد. من همچنین ورزش مورد علاقه‌شان و انجام تفریحات سالم در بدن سالم است. که عقل سالم در بدن سالم است.

مختلف فرهنگ جامعه برای مراجعه به دانشگاه‌ها برای حل مشکلات تقویت شود. در بسیاری از کشورهای پیشرفته، نگاه‌های دولتی و خصوصی بخشی از بودجه خود را برای پژوهش در راستای ارتقای کیفیت محصولات و خدمات خود اختصاص می‌دهند و دانشگاه‌ها را برای انجام این پژوهش در اولویت قرار می‌دهند به ویژه دانشگاه‌هایی که سابقه‌ی درخشان در راستای حل مشکلات دارند و توانسته‌اند اعتماد عمومی را جلب کنند. این فرهنگ مراجعه به دانشگاه برای حل مشکلات در جامعه ما ضعیف است و موضوع پژوهش در جهت ارتقای کیفیت در بسیاری از نگاه‌های اقتصادی در کشور ما امری جا افتاده نیست و شاید عدم نظارت کافی برای ورود محصولات با کیفیت و سلامت پایین و رکود اقتصادی در این نگاه‌ها عدم نیاز آن‌ها به انجام تغییرات از طریق پژوهش را تشدید می‌کند. به نظر می‌رسد مسئولین دانشگاه‌ها در برقراری ارتباط دانشگاه با جامعه و شناساندن توانمندی‌های دانشگاه‌ها به بنگاه‌های اقتصادی به ویژه بخش خصوصی می‌توانند نقش به‌سزایی داشته باشند. روز دانشگاه و روز درهای باز یک رویداد بین‌المللی است و از این رویداد می‌توان حتی مردم عادی را نیز با دانشگاه و دستاوردهای آن آشنا کرد و نگاه آن‌ها به دانشگاه‌ها از منظر حل مشکلات جامعه تغییر داد. به نظر من انجام پژوهش‌های کاربردی و مشتری محور امری است که باید در دستور کار مسئولین دانشگاه‌ها و تک اعضای هیئت علمی آن‌ها قرار بگیرد و گروه‌های آموزشی باید برنامه‌های کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت خود را در این راستا تنظیم کنند تا بتواند جایگاه واقعی خود را در جامعه پیدا کرده و به جای فارغ التحصیلان جویای کار، فارغ التحصیلان کارآفرین تحویل جامعه دهند که علاوه بر خود برای دیگران نیز اشتغال ایجاد کنند.